

مجلس نماینده‌گان هفته‌ی آینده روند رای‌دهی به نامزدوزیران را آغاز می‌کند



مجلس نماینده‌گان بیست روز پس از معرفی کابینه، تصمیم گرفته است که روند رای‌دهی به نامزدوزیران را آغاز کند. اعضای این مجلس می‌گویند که روند بررسی اسناد تحصیلی و تابعیت ۱۰ نامزدوزیر تکمیل شده است و از این رو این مجلس تصمیم گرفته که هفته‌ی آینده برای آن‌ها صندوق رأی بگذارد. این نماینده‌گان تصریح می‌کنند که تلاش کمیسیون‌ها برای تکمیل بررسی اسناد سایر نامزدوزیران ادامه دارد تا این روند به زودی تکمیل شود. از سویی هم، موضوع دو تابعیت بودن نامزدوزیران یک بحث جنجالی در میان نماینده‌گان مجلس بوده است. برخی از اعضای مجلس می‌گفتند که نخست باید تکلیف نامزدوزیران دو تابعیتی مشخص و اسنادشان از چرخه بررسی خارج شود.

۳

افغانستان ته د سولې راوستلو تړون موافقتنامه آوردن صلح به افغانستان موافقتنامه آوردن صلح به افغانستان



جو بایدن و توافق‌نامه دوحه؛

دولت: بازنگری شود طالبان: عملی شود

۳

درس‌های وابسته‌گی به بیگانه‌گان

۴

راه ناپیموده‌ی ترمپ را بایدن می‌پیماید

جو بایدن خودش را ملزم به احیای میراث اداره‌ی بارک اوباما (۲۰۰۹-۲۰۱۶) می‌داند و بر بازگشت به وضعیت چندجانبه‌گرایی در سیاست خارجی آمریکا تأکید می‌کند. میرانی که دونالد ترمپ با سیاست «اول آمریکا» آن را دور زد و علاوه بر نادیده‌گرفتن جایگاه نهادهای دولت آمریکا، حتا نقش و جایگاه دولت‌ها را در پایان منازعات و حل بحران در مناطق مشخص جهان به چالش کشید.

۴



یک روز پس از توصیه حکومت؛ «نی» از محدودیت دسترسی به اطلاعات نگران است



یافته‌های یک بررسی تازه نهاد حمایت از رسانه‌های آزاد افغانستان (نی) نشان می‌دهد که دسترسی به اطلاعات در زون غرب کشور نسبت به سال‌های گذشته محدودتر شده است و در برخی موارد مقام‌های حکومتی از ارائه معلومات به خبرنگاران خودداری می‌کنند. خبرنگاران و فعالان رسانه‌ای در غرب کشور، نگران محدودیت آزادی بیان و حق دسترسی به اطلاعات هستند و هشدار می‌دهند که اگر وضعیت...

۸

امنیت ملی: عضو رهبری القاعده برای هند که پیشینه عضویت گروه طالبان را داشت، در فراه کشته شد

در اعلامیه ریاست عمومی امنیت ملی آمده است که این عضو شبکه القاعده در سال ۲۰۱۰ میلادی به همکاری مستقیم گروه طالبان وارد هلمند شد و سپس به فراه انتقال داده شده است.

امنیت ملی می‌گوید که حنیف رابط‌های تنگاتنگی با گروه طالبان داشت و در بخش‌های تعبیه‌ی مواد انفجاری، ساخت موتوربمب‌ها و ساخت‌وساز ماین‌های خودساخت گروه طالبان را کمک می‌کرد و آموزش می‌داد.

ریاست عمومی امنیت افزوده است که حنیف اقامت ثابت نداشت و بین ولایت‌های هلمند، فراه، نیمروز و آن‌سوی خط دیورند، در رفت‌وآمد بود.

این در حالی است که امنیت ملی در اوایل ماه جاری اعلام کرد که ابومحسن المصری، فرمانده ارشد شبکه القاعده در شبه هند و فرد شماره دوم این شبکه، در عملیات نیروهای امنیت ملی در ولسوالی اندر غزنی کشته شده است.

رئیس جمهور غنی به دنبال آن بیانیه داد که طالبان رابطه‌ی شان را القاعده قطع نکرده‌اند. براساس توافق‌نامه صلح دوحه، طالبان باید روابط خود را القاعده قطع کنند.



۸صبح، کابل: ریاست عمومی امنیت ملی اعلام کرد که یک عضو رهبری شبکه القاعده برای شبه قاره هند در پی اجرای یک عملیات «ویژه و هدفمند» نیروهای این ریاست در ولسوالی یکواه فراه کشته شده است. در این عملیات دو شهروند زن پاکستانی نیز بازداشت شده‌اند.

اعلامیه امنیت ملی روز سه‌شنبه، بیستم عقرب نشر شد. امنیت ملی از این عضو رهبری شبکه القاعده به نام محمدحنیف یاد کرده است که به نام مستعار «عبدالله» زنده‌گی می‌کرد.

طبق معلومات ریاست عمومی امنیت ملی، حنیف باشنده‌ی اصلی شهر کراچی پاکستان بوده است. ریاست عمومی امنیت ملی گفته است که محمدحنیف ابتدا عضویت طالبان را داشت و پس از سال ۲۰۱۰ عضویت شبکه القاعده را نیز کسب کرد.

جاپان ۸.۱ میلیون دلار را برای تهیه واکسین به افغانستان کمک کرد

۸صبح، کابل: جاپان ۸.۱ میلیون دلار را برای تهیه و فراهم‌سازی واکسین به دولت افغانستان کمک کرده است.

طبق اعلام وزارت صحت عامه، تفاهم‌نامه‌ای به این منظور بین نگاهاشی یوشیایکی، کاردار سفارت جاپان در کابل و شیمای سن گیتا، نماینده معاونیت دفتر یونیسیف دفتر یونیسیف برای افغانستان روز سه‌شنبه، بیستم عقرب امضا شده است. در این مراسم احمدجواد عثمانی، سرپرست وزارت صحت عامه نیز حضور داشته است.

وزارت صحت عامه گفته است که کمک تازه جاپان از طریق یونیسیف برای تهیه و فراهم‌سازی واکسین‌های توپرکلوز (BCG)، سرخاکان، واکسین پولیو (OPV)، دوز صفری واکسین زردی سیاه، واکسین تیتانوس-دیفتری (TD) ضم سرچ و بکس‌های مصون (Safety Boxes) برای کودکان و زنان مصرف می‌شود.

سرپرست وزارت صحت عامه در مراسم امضای این تفاهم‌نامه از مصرف شفاف و موثر کمک‌های تازه جاپان به تمویل‌کننده‌گان اطمینان داده است.

به گفته او، تلاش‌ها برای ریشه‌کن کردن بیماری فلج کودکان در مناطق جنوبی و شرقی سرعت یافته است و این تلاش‌ها تا زمان شکل‌گیری معافیت کتله‌ای ادامه خواهد یافت.

امسال بیش‌ترین واقعات پولیو در حوزه‌های جنوب و شرق کشور ثبت شده است. شیمای سن گیتا، نماینده معاونیت دفتر یونیسیف برای افغانستان، در این نشست گفته است که اداره یونیسیف متعهد است تا واکسین‌های مورد نیاز را برای وزارت صحت عامه افغانستان تهیه کند. به گفته او، این واکسین‌ها از طریق مراکز صحتی به اطفال زیر سن پنج سال و مادران ۱۵ الی ۴۵ سال تطبیق می‌شود.

کاردار سفارت جاپان در کابل نیز گفته است که افغانستان از جمله چند کشوری است که هنوز پولیو در آن محو نشده است. او ابراز امیدواری کرده است که روزی افغانستان عاری از این بیماری شود.

این در حالی است که در جریان سال جاری میلادی بیش از ۵۳ مورد ابتلا به فلج کودکان ثبت شده است که نسبت به سال گذشته افزایش را نشان می‌دهد.

آریانا افغان هوائی شرکت
ARIANA AFGHAN AIRLINES

www.flyariana.com
+93 (0) 790 07 1333
خدمات مشتریان | 1333



پرواز های همه روزه
کابل - کندهار - کابل

کابل کندهار: ساعت ۴ بعد از ظهر
کندهار کابل: ساعت ۶ شام



بازگشت زندانیان طالبان به جنگ؛ ضمانت چه بود؟

طبق اعلام وزارت امور داخله از مجموع بیش از پنج هزار زندانی رهاشده‌ی گروه طالبان، ۵۸۰ تن آنان دوباره به میدان‌های جنگ برگشته‌اند. به گفته‌ی این وزارت، شماری از این زندانیان، پس از بازگشت به میدان جنگ، در درگیری با نیروهای دولتی کشته شده‌اند. وزارت امور داخله در باره‌ی این که آمار فوق را چگونه به‌دست آورده، معلومات نداده است.

موضوع رهایی زندانیان گروه طالبان یکی از موضوعات جنجالی و بحث‌برانگیز در کشور پیش از شروع مذاکرات بین‌الافغانی بود. امریکایی‌ها بر حکومت افغانستان فشار آورده بودند تا طبق توافق‌نامه‌ی دوحه، پنج هزار زندانی گروه طالبان را پیش از شروع مذاکرات آزاد کند. اشرف غنی که در آن زمان رییس حکومت وحدت ملی بود، در یازدهم حوت پارسال در یک موضع‌گیری تند گفت که افغانستان هیچ تعهدی برای رهایی پنج هزار زندانی طالبان ندارد. او این سخن را یک روز پس از امضای توافق‌نامه‌ی دوحه بین امریکا و طالبان در یک کنفرانس خبری در کابل به زبان آورد. غنی هشت روز بعد، در نوزدهم حوت، روزی که به‌عنوان رییس‌جمهور جدید سوگند یاد می‌کرد، تغییر موضع داد و اعلام کرد که قرار است فرمان رهایی این پنج هزار زندانی را صادر کند. در بیستم حوت همان سال، این فرمان صادر شد و به تعقیب آن زندانیان طالبان از بند رها شدند. سخنگویان ریاست جمهوری و شورای امنیت ملی کشور بارها اعلام کرده بودند که دولت حاضر نیست مطابق توافق‌نامه‌ی که در آن نقشی نداشته است، به رهایی زندانیان طالبان اقدام کند. بعدتر این موضع اصلاح شد و اعلام کردند که دولت، زندانیان طالبان را به‌عنوان «حسن نیت» با این دو شرط آزاد می‌کند: ۱. رهایی زندانیان باید به آتش‌بس منتج شود. ۲. زندانیان پس از رهایی، تابع ضمانت، به میدان جنگ برنگردند. مردم هم وقتی دیدند که رهایی زندانیان بدون قید و شرط نیست، با تصمیم رهایی این زندانیان موافقت کردند.

شورای امنیت ملی که مسوول اجرای فرمان رهایی زندانیان گروه طالبان بود، در ماه حمل اعلام کرد که زندانیان رهاشده «سوگند» یاد کرده‌اند که دیگر به جبهه‌ی جنگ برنمی‌گردند. این نهاد هم‌چنان گفته بود که عین «تعهد» از جانب دفتر سیاسی طالبان در قطر به جانب دولت سپرده شده است. اما آن‌چه را که حکومت قبلاً به‌عنوان «ضمانت» به زبان می‌آورد و برای آرامش خاطر مردم آن را مطرح می‌کرد، عملاً محقق نشد. اگر چنان‌چه ضمانتی هم وجود داشت، رسماً با رسانه‌ها و مردم به اشتراک گذاشته نشد. به همین دلیل، اکنون که ماه‌ها از روند رهایی زندانیان طالبان سپری شده است، کسی نمی‌داند که این زندانیان در ازای چه ضمانتی از بند رها شده‌اند.

زلمی خلیل‌زاد، نماینده‌ی ویژه‌ی امریکا در امور صلح افغانستان، در ماه حوت پارسال بارها در صحبت با رسانه‌های افغانستان اعلام کرد که مردم نگران رهایی زندانیان طالبان از بند دولت نباشند. او تأکید کرد که طالبان باید تضمین کنند که زندانیان رهاشده‌ی این گروه دوباره به میدان جنگ برنمی‌گردند. خلیل‌زاد هیچ‌گاه تصریح نکرد که این ضمانت باید چگونه باشد و در صورت برگشت زندانیان به میدان جنگ، چه ترتیبات تازه‌ای روی دست گرفته شود. خلیل‌زاد فقط اصرار داشت که زندانیان باید رها شوند و این کار راه را برای شروع مذاکرات بین‌الافغانی هموار می‌کند.

دولت تابع فشارهای امریکا، زندانیان گروه طالبان را به نوبت رها کرد. از میان زندانیان رهاشده، ۴۰۰ زندانی این گروه «خطرناک» گفته شده بود که بعدتر با رأی لویه جرگه از بند رها شدند. در بین این شمار زندانی «خطرناک»، ۱۸۰ تن آنان، قاچاق‌بران بین‌المللی مواد مخدر معرفی شده‌اند. غنی هشدار داده بود که با رهایی این زندانیان ممکن است قاچاق مواد مخدر در سطح جهانی بیش‌تر شود. مشاهدات میدانی نشان می‌دهد که هیچ‌یک از شروط دولت برای رهایی زندانیان طالبان تحقق نیافته است. آتش‌بس و کاهش خشونت‌ها که از شروط مهم دولت بود، تاکنون عملی نشده است. به همین شکل، زندانیان رهاشده به سوگند خود صادق نمانده‌اند و به جای زنده‌گی در خانه دوباره به جبهه‌ی جنگ برگشته‌اند. اما چیزی که از رهایی زندانیان تاکنون حاصل شده است، شروع بدون پیش‌رفت مذاکرات صلح است.

با این حال، دولت باید از جانب امریکا بپرسد که ضمانت طالبان چه بود؟ البته این را هم می‌دانیم که طالبان بارها گفته‌اند که زندانیان این گروه تابع ضمانت رها نشده‌اند. هم‌چنان مردم نیز باید از دولت بپرسند که زندانیان طالبان را در ازای چه ضمانتی رها کرده است و چرا آن‌را پی‌گیری نمی‌کند؟ اگر چنان‌چه هیچ ضمانتی در این زمینه موجود نیست، چرا چنین دروغی به مردم گفته شده است؟ این‌ها پرسش‌های تمام مردم است که باید دولت برای آن پاسخ بدهد. در کنار آن، موضع دولت در قبال بازگشت زندانیان طالبان به میدان‌های جنگ باید روشن شود. دولت با وجودی که بارها از بازگشت این زندانیان به میدان‌های جنگ سخن گفته است، اما هیچ‌گاه در قبال این اتفاق موضع‌گیری نکرده است. دولت نمی‌تواند تنها با آرایه‌ی خبر و آمار و با گفتن این که بازگشت زندانیان به جنگ مخالف تعهدات طالبان است، رفع مسوولیت کند. دولت باید تمام گزینه‌ها را به آزمون بگذارد تا طالبان را بر سر تعهداتش ثابت نگه دارد؛ این چیزی است که مردم از دولت خود انتظار دارند و باید به آن رسیده‌گی شود.

غنی در نشست سران شانگهای: تحمیل اراده اقلیت بر اکثریت، فقط سبب دوام جنگ می‌شود



۸صبح، کابل: محمد اشرف غنی، رییس‌جمهور، عصر روز سه‌شنبه، بیستم عقرب، در نشست مجازی رهبران سازمان همکاری شانگهای سخنرانی کرد.

غنی در این نشست گفت، نظرسنجی‌های متعددی که تاکنون انجام شده، نشان می‌دهد که ۷۵ تا ۸۵ درصد مردم از جمهوری‌ت حمایت می‌کنند. به گفته‌ی غنی، در این نظرسنجی‌ها تنها چهار تا هشت درصد مردم از طالبان حمایت کرده‌اند. او با اشاره به این موضوع، تأکید کرد که تحمیل اراده اقلیت بر اکثریت مطلق، می‌تواند فقط منجر به درگیری طولانی‌مدت شود.

آقای غنی در این سخنرانی به مسایل متعدد از جمله روند صلح کشور پرداخت و گفت با وجود چالش‌های گسترده که دامن‌گیر افغانستان است، اما به صلح به عنوان یک اولویت نگاه می‌کند.

غنی افزود که برای شروع مذاکرات صلح با طالبان، با اتخاذ تصمیم‌های سخت به عنوان رییس‌جمهور یک کشور و عضو جامعه، شهامت کرده است.

محمد اشرف غنی هم‌چنان با ابراز تأسف گفت که تعهد کاهش خشونت و آتش‌بس جامع اما تحقق نیافته، بلکه خشونت‌ها از سوی طالبان افزایش نیز یافته است.

او از حمله بر دانشگاه کابل یاد کرد که در آن ده‌ها دانشجو کشته و زخمی شدند. غنی گفت که این حمله فارغ از این که مسوولیت آن را چه کسی برعهده گرفته است، غیرانسانی است.

رییس‌جمهور غنی گفت، جمهوری‌ت و اصول حقوق برابر شهروندان که در قانون اساسی درج است، زمینه‌های ادغام مسالمت‌آمیز طالبان در سیاست، اقتصاد و جامعه افغانستان دموکراتیک را فراهم می‌کند.

محمد اشرف غنی گفت که احترام به حاکمیت، یک اصل اساسی سازمان همکاری شانگهای است و از این رو از اعضای این سازمان می‌خواهد تا از روند صلح پایدار در چهارچوب جمهوری اسلامی افغانستان حمایت کنند.

غنی افزود که اخلاص در نظم قانون اساسی افغانستان پی‌آمدهای منفی گسترده‌ای برای سازمان همکاری شانگهای خواهد داشت و سبب اختلال در سیستم اقتصادی اروپا، آسیا و هم‌چنان گسترش شبکه‌های تروریستی و جنایی می‌شود.

وزارت داخله:

نزدیک به ۶۰۰ زندانی طالبان به میدان جنگ برگشته‌اند



۸صبح، کابل: وزارت امور داخله اعلام کرد که بیش از ۵۸۰ زندانی طالبان که از بند حکومت رها شده بودند، دوباره سر از میدان جنگ درآورده‌اند.

طارق آربین، سخنگوی وزارت امور داخله روز سه‌شنبه، بیستم عقرب، در یک نوار تصویری گفت که برگشتن زندانیان رهاشده طالبان به میدان جنگ، خلاف تعهدی بود که گروه طالبان داده بود.

حکومت بیش از شش هزار زندانی طالبان را به دلیل آن‌چه نشان دادن «حسن نیت» برای صلح خوانده شد، رها کرده است.

هر چند روند رهایی زندانیان و به ویژه ۴۰۰ زندانی آن با جنجال همراه بود، اما شورای امنیت ملی گفته بود که از زندانیان رهاشده طالبان تعهد کتبی و ضمانت گرفته شده است تا به میدان نبرد برنگردند.

از جانب دیگر، سخنگوی وزارت امور داخله، می‌گوید که گروه طالبان رویکرد جنگی‌شان را تغییر داده است.

طارق آربین گفت که طالبان تلاش می‌کنند تا با استفاده از انفجارها و ماین‌گذاری‌ها موفقیت کسب کنند.

آربین می‌گوید که نیروهای امنیتی افغانستان آماده دفع انواع تهدیدات طالبان هستند.

محمد سرور دانش، معاون دوم ریاست جمهوری، نیز روز گذشته اعلام کرد، حکومت از این که به طالبان «امتیاز» داده و زندانیان این گروه را رها کرده است، مورد انتقاد افکار عمومی است.

او نیز گفت که زندانیان رهاشده طالبان دوباره به میدان جنگ برگشته‌اند.

طالبان در گذشته موضوع برگشتن زندانیان این گروه به میدان جنگ را رد کرده بودند.

این گروه دولت را متهم کرده است که بر خانه‌های زندانیان رهاشده حمله می‌کند؛ ادعایی که از سوی حکومت تکذیب شده است. زندانیان گروه طالبان براساس توافق‌نامه امریکا - طالبان رها شدند. حکومت که نقشی در امضای این توافق‌نامه نداشت، در چند مورد با رهایی زندانیان طالبان مخالفت کرد، اما سرانجام به آن تن داد.

عبدالله برای جلب حمایت منطقه‌ای از روند صلح به اوزبیکستان رفت



۸صبح، کابل: عبدالله عبدالله، رییس‌شورای عالی مصالحه ملی بعد از چاشت روز سه‌شنبه، بیستم عقرب، در راس یک هیأت عازم تاشکند، پایتخت اوزبیکستان شد.

سفر رییس‌شورای عالی مصالحه ملی در ادامه سفرهای منطقه‌ای او برای جلب حمایت از روند صلح، انجام شده است.

طبق اعلام سپیدار، سفر عبدالله به تاشکند به دعوت رسمی اوزبیکستان صورت گرفته است. عبدالله در این سفر با رییس‌جمهور، معاون نخست‌وزیر، وزیر امور خارجه، رییس‌بورد

اسلامی و رییس کمیسیون امور دینی اوزبیکستان دیدار خواهد کرد. سپیدار گفته است که رییس‌شورای عالی مصالحه ملی در دیدار با رهبران اوزبیکستان درباره روند صلح، مذاکرات دوحه و ضرورت اجماع و حمایت منطقه‌ای از تلاش صلح افغانستان گفت‌وگو کرد. عبدالله عبدالله پیش از این به پاکستان، هند و ایران نیز سفر کرده بود. هدف این سفرها تقویت اجماع منطقه‌ای برای صلح خوانده شده است.

ثبت ۱۶۶ مورد تازه ابتلا به ویروس کرونا

۸صبح، کابل: وزارت صحت عامه اعلام کرد که در یک شبانه‌روز گذشته ۱۶۶ مورد تازه ابتلا به ویروس کرونا در کشور ثبت شده است. براساس آمار روزانه ابتلا به ویروس کرونا که روز سه‌شنبه، بیستم عقرب از سوی وزارت صحت عامه نشر شد، در ۲۴ ساعت گذشته ۵۶۶ نمونه مشکوک به کرونا در لابراتوارهای این وزارت آزمایش شده است.

طبق این آمار، سه بیمار کووید-۱۹ در یک شبانه‌روز گذشته جان باخته و ۲۳۳ بیمار دیگر بهبود یافته‌اند.

با این احتساب، شمار کل مبتلایان کووید-۱۹ در کشور به ۴۲ هزار و ۴۶۳ تن رسیده است. از این میان، یک هزار و ۵۷۷ تن جان باخته و ۳۴ هزار و ۹۵۴ تن دیگر بهبود یافته‌اند.

در حال حاضر پنج هزار و ۹۳۲ بیمار کرونایی در کشور فعال هستند.

وزارت صحت عامه از آغاز تاکنون ۱۲۶ هزار و ۷۳۵ نمونه مشکوک به کرونا را بررسی کرده است.



حسین بهار

هم‌زمان با پیروزی جو بایدن، نامزد حزب دموکرات در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، بحث روی توافق‌نامه صلح دوحه بالا گرفته است. مقام‌ها در حکومت افغانستان خواستار بازنگری این توافق‌نامه و روند صلح کنونی

شده‌اند، زیرا به گفته‌ی آنان، دولت در این توافق‌نامه حضور نداشته و آن را تایید نکرده است. مجلس سنا در سهم خود از حکومت جدید آمریکا می‌خواهد که شخص دیگری را به جای زلمی خلیل‌زاد به عنوان فرستاده ویژه در قضایای صلح افغانستان بگمارد و در توافق‌نامه صلح دوحه نیز بنا بر «کاستی‌ها» بی‌کی باشد، بازنگری کند. گروه طالبان اما تبدیلی در رهبری آمریکا را «موضوع داخلی» خوانده و بر توافق‌نامه دوحه به عنوان «راه خوب و موثر برای حل معقول منازعه» تاکید کرده است. از سویی هم، ارگ ریاست جمهوری باور دارد که طالبان با وجود تلاش‌ها و حسن نیت دولت، به تعهدات‌شان پایبند نبوده و خشونت‌ها را هم‌چنان ادامه داده‌اند. حکومت هشدار می‌دهد که گروه طالبان با توجه به فراهم بودن فرصت‌های بسیار، دیگر از دولت و مردم توقع بیش‌تر نداشته باشند و امتیازدهی به این گروه برای قطع خشونت‌ها ادامه نمی‌یابد.

توافق‌نامه آمریکا و گروه طالبان در دوحه با پیروزی بایدن در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، دوباره به موضوع مورد بحث میان دولت و طالبان بدل شده است. دولت از حکومت جدید آمریکا می‌خواهد که بنا بر کاستی‌ها در توافق‌نامه دوحه، این توافق‌نامه را بازنگری کند. محمدرسور دانش، معاون دوم ریاست جمهوری، روز دوشنبه، نوزدهم عقرب، گفت که «سماجت» و «عدم انعطاف‌پذیری» از سوی طالبان عامل اصلی بن‌بست مذاکرات دوحه و مانع پیشرفت‌ها در این مذاکرات است. وی تصریح کرد که در شرایط کنونی، مردم حکومت را به دلیل رهایی زندانیان طالبان مسوول می‌دانند، زیرا بیش‌تر این زندانیان به میدان‌های جنگ بازگشته‌اند. آقای دانش افزایش خشونت‌ها و ترورها توسط عوامل طالبان را غیر قابل‌پذیرش و «تقص صریح توافق‌نامه دوحه» خواند و گفت که این گروه هنوز روابطش با گروه‌های تروریستی را قطع نکرده است.

وی هرچند بر آغاز هرچه زودتر گفت‌وگوها تاکید و از تلاش‌های جامعه بین‌المللی قدردانی کرد، اما ابراز امیدواری کرد که رهبری جدید آمریکا روند طی شده صلح را بازنگری کند تا بدین ترتیب، «مشکلات موجود» رفع شود و همه‌ی جوانب به صورت «مسوولانه‌تر و با دقت بیش‌تر که متکی بر واقعیت‌ها و حقایق باشد»، روند صلح را حمایت کنند. افزون بر این، مجلس سنا نیز بر بازنگری در توافق‌نامه صلح دوحه تاکید دارد. اعضای این مجلس در نشست عمومی روز سه‌شنبه، بیستم عقرب، گفته‌اند که نیاز است آمریکا توافق‌نامه دوحه را بازنگری کند، زیرا

جو بایدن و توافق‌نامه دوحه؛ دولت: بازنگری شود طالبان: عملی شود



به گفته‌ی آنان، این توافق‌نامه «کاستی‌های زیاد» دارد. مجلس سنا هم‌چنان خواهان تغییر در پُست «نماینده ویژه آمریکا برای صلح افغانستان» شده‌اند، به گونه‌ای که جایگزین زلمی خلیل‌زاد از «تجربه» و «موثریت بیش‌تر» برخوردار باشد. این مجلس دلیل تغییر در نماینده آمریکا را متعهد نماندن طالبان به کاهش خشونت‌ها در توافق‌نامه دوحه عنوان کرده‌اند؛ موردی که نماینده ویژه آمریکا برای صلح افغانستان از آن به دولت و مردم اطمینان داده بود.

در همین حال محمدشرف غنی، رییس جمهور، در نشست مجازی رهبران سازمان همکاری شانگهای، گفت که تعهد کاهش خشونت و آتش‌بس جامع تحقق نیافته و برخلاف آن، طالبان خشونت‌ها را افزایش داده‌اند. وی که روز سه‌شنبه، بیستم عقرب، در این نشست سخنرانی می‌کرد، از حمله بر دانشگاه کابل که در آن ده‌ها دانشجو کشته و زخمی شدند، به عنوان نمونه یاد کرد. او اما افزود که این حمله فارغ از این‌که مسوولیت آن را چه کسی برعهده گرفته، غیرانسانی است. به گفته‌ی آقای غنی، جمهوریت و اصول حقوق برابر شهروندان که در قانون اساسی درج است، زمینه ادغام مسالمت‌آمیز طالبان در سیاست، اقتصاد و جامعه افغانستان دموکراتیک را فراهم می‌کند. او از «احترام به حاکمیت» به عنوان یک اصل اساسی در نشست این سازمان یاد کرده و از اعضای آن خواسته است که از روند صلح پایدار در چهارچوب جمهوری اسلامی افغانستان حمایت کنند. وی هم‌چنان از «پیامدهای منفی گسترده» اخلاص ساختار قانون اساسی کشور به اعضای این سازمان هشدار داد و گفت که این کار سبب اخلاص در سیستم اقتصادی اروپا، آسیا و هم‌چنان گسترش شبکه‌های تروریستی و جنایی می‌شود.

است. این گروه گفته است که به توافق‌نامه صلح دوحه «متعهد» است و ترجیح می‌دهد که «مشکل داخلی نیز از راه دیالوگ و مذاکرات حل شود». به گفته‌ی طالبان، بایدن و حکومت جدید آمریکا باید به «حلقات، اشخاص و جهت‌های جنگ‌طلب» که خواستار جنگ در کشور هستند و تلاش دارند که آمریکا را در این جنگ دخیل نگه دارند، توجه کند.

ارگ ریاست جمهوری اما می‌گوید که با وجود متعهد ماندن دولت و جامعه جهانی به توافق‌نامه صلح دوحه، طالبان به این توافق‌نامه تعهد ندارند. صدیق صدیقی، سخنگوی ریاست جمهوری، روز سه‌شنبه، بیستم عقرب، به روزنامه ۸صبح گفت که حکومت شش هزار و ۱۰۰ زندانی طالب را آزاد کرد تا خشونت‌ها و «افغان‌کشی» پایان یابد و برای معضل راه‌حل پیدا شود. افزون بر این، جامعه جهانی نیز برای اولین بار حاضر شد با «پک گروه هراس‌افکن، هم‌دست القاعده و گروهی که هنوز در فهرست سیاه است» صلح کند تا جنگ طالبان پایان یابد. با این حال، آقای صدیقی می‌گوید که همه‌ی طرف‌ها «به جز گروه طالبان» به روند صلح متعهد اند و موارد ارایه شده از سوی این گروه «بهانه‌جویی» و «دامه و افزایش خشونت‌ها» است.

سخنگوی ریاست جمهوری گفت که گروه طالبان مسوول بن‌بست در روند کنونی صلح است و اگر پیش‌رفتی که صورت نمی‌گیرد، مسوولیتش بر دوش این گروه خواهد بود. وی افزود که امتیازدهی کنونی به طالبان ادامه نمی‌یابد و نیاز نیست که جهان هم‌زمان با تلاش این گروه برای تخریب سرک‌ها، حمله بر شهرها و افزایش خشونت‌ها، برای طالبان امتیازخواهی کند. به گفته‌ی آقای صدیقی، گروه طالبان مسوولیت برخی از ترورها، از جمله قتل پدر شهردار میدان‌وردک را بر دوش می‌گیرد و برخی دیگر همانند حمله بر دانشگاه کابل را انکار می‌کند. او افزود که موضع‌گیری طالبان از اول تا حال غیراساسی و خلاف اصول معاهدات صلح است، زیرا به گفته‌ی وی، این موضع‌گیری‌ها تداوم رویکرد خشونت‌گرایانه و جنگ‌طلبانه طالبان است که هر سال وارد روند صلح می‌شوند و در ادامه به تخریب سرک، ماین‌گذاری و ترور مردم ادامه می‌دهند. صدیق صدیقی تصریح کرد که طالبان باید از مردم و دولت توقع بیش‌تر نداشته باشند، زیرا این «فرصت بزرگ» فراهم شده است و اکنون انتخاب به دست آن‌ها است.

گفتنی است که توافق‌نامه دوحه میان حکومت آمریکا و گروه طالبان در دهم حوت سال گذشته امضا شد. با آن‌که دولت در این توافق‌نامه حضور نداشت، اما حاضر شد که برای شروع مذاکرات صلح، حدود شش هزار زندانی طالبان را آزاد کند. گفتنی است که مذاکرات صلح بین‌افغانی از دو ماه بدین‌سو در دوحه ادامه دارد، اما اختلاف بر سر تعیین توافق‌نامه صلح آمریکا و طالبان به عنوان مبنای مذاکرات، سبب شده است که این روند با بن‌بست روبه‌رو شود.

مجلس نماینده‌گان هفته‌ی آینده روند رای‌دهی به نامزدوزیران را آغاز می‌کند

آن هم، وی افزود که مجلس نماینده‌گان از وزارت امور خارجه خواسته است تا در جریان دو ماه دیگر معلومات تابعیت این نامزدوزیران را تکمیل کند.

خان‌آغا رضایی، عضو مجلس نماینده‌گان، به روزنامه ۸صبح گفت که کمیته روسای مجلس فیصله کرده است تا ۱۰ نامزدوزیر را روز دوشنبه هفته آینده به مجلس فرا بخواند و بدین ترتیب، نامزدوزیران برنامه‌های‌شان را با اعضای مجلس در میان بگذارند. او افزود که این نامزدوزیران در نخست برنامه‌های‌شان را به مجلس ارائه می‌کنند و سپس مجلس نماینده‌گان برای‌شان صندوق رأی می‌گذارد. وی افزود: «اول برنامه‌های‌شان را ارایه می‌کنند، بعد ما برای چهار نامزدوزیر صندوق رأی دهی می‌گذاریم.» او اما در مور سایر نامزدوزیران و رییس‌ان نهادها بیان داشت که اسنادشان تکمیل نشده و زمانی که روند بررسی تکمیل شود، برای‌شان صندوق رأی گذاشته خواهد شد. پیش‌تر فهرستی در شبکه‌های اجتماعی همه‌گانی شده بود که نشان می‌داد اسناد تحصیلی و تعلیمی حدود ده نامزدوزیر ناقص است. اعضای مجلس اما صحت و سقم این فهرست را تایید یا رد نکرده‌اند.

گفتنی است که نامزدوزیران در اول عقرب ماه جاری توسط رییس جمهور برای گرفتن رأی اعتماد به مجلس نماینده‌گان معرفی شدند. این در حالی است که اکنون تمام وزارت‌خانه‌ها توسط سرپرستان اداره می‌شوند؛ کاری که به باور برخی اعضای مجلس، غیرقانونی است؛ زیرا آنان معتقد اند که براساس قانون سرپرستان، یک وزیر نمی‌تواند بیش از سه ماه به عنوان سرپرست کار کند. با این حال، برخی از وزارت‌خانه‌ها از سال‌ها بدین‌سو توسط سرپرستان اداره می‌شوند.

را تکمیل نکرده است. حجت‌الله خردمند دلیل کُندی این روند را بررسی اسناد تابعیت نامزدوزیران خواند. او گفت که تردیدها در مورد برخی از نامزدوزیران وجود دارد، مبنی بر این‌که ممکن است آنان دوتابعیته باشند. او گفت که اعضای مجلس نماینده‌گان فیصله کرده‌اند که به هیچ وجه به نامزدوزیران دوتابعیتی رأی ندهند؛ زیرا به باور آن‌ها، این نامزدوزیران نمی‌توانند به کشور خدمت کنند. پیش از این، برخی از اعضای مجلس گفته‌اند، تجربه در حکومت‌های گذشته نیز نشان داده است که وزیران دوتابعیته پس از مرتکب شدن به فساد اداری، به کشوری که تابعیت آن را داشته‌اند، برگشته‌اند و به این ترتیب دست نهادهای عدلی و قضایی در تعقیب آن‌ها کوتاه شده است. در قانون اساسی نیز به صراحت ذکر شده است که نامزدوزیر باید تابعیت افغانستان را داشته باشد و در صورت داشتن تابعیت کشوری دیگر، مجلس نماینده‌گان صلاحیت دارد که به او رأی تایید و یا رد بدهد.

با این‌همه، آقای خردمند بیان داشت که مجلس نماینده‌گان سرانجام فیصله کرده تا از این نامزدوزیران تعهد بگیرد و در صورتی که مشخص شود تابعیت کشور دومی را دارند، از وظایف‌شان برکنار و به دادستانی معرفی شوند. او افزود که روند درخواست معلومات از تابعیت نامزدوزیران زمان‌بر است و این سبب شد که این روند با گذشت روزها، آغاز نشود. او گفت: «مساله تابعیت نامزدوزیران خیلی زمان‌گیر است. چون از کشوری که تابعیت دارد، درخواست معلومات کنیم، ۶۰ روز زمان را در بر می‌گیرد.» با

مجلس نماینده‌گان پس از تکمیل بررسی اسناد ۱۰ نامزدوزیر از سوی کمیسیون‌های مربوط، سرانجام روز سه‌شنبه، بیستم عقرب، فیصله کرده است که روز دوشنبه هفته آینده، این شمار از نامزدوزیران برای ارایه برنامه‌های‌شان در نشست عمومی مجلس حضور یابند. حجت‌الله خردمند، نایب منشی مجلس نماینده‌گان گفت که اسناد تحصیلی، تعلیمی و تابعیت محمدحنیف اتمر نامزدوزیر وزارت امور خارجه، اسدالله خالد نامزدوزیر وزارت دفاع ملی، محمدمسعود اندرابی نامزدوزیر وزارت امور داخله، عبدالهادی ارغندبوال نامزدوزیر وزارت مالیه، عباس بصیر نامزدوزیر وزارت تحصیلات عالی، معصومه خاوری نامزدوزیر وزارت مخابرات تکنولوژی و معلومات، فضل‌احمد معنوی نامزدوزیر وزارت عدلیه، بشیراحمد تهنیح نامزدوزیر وزارت کار و امور اجتماعی، قاسم حلیمی نامزدوزیر وزارت حج و اوقاف و نثاراحمد غوریانی نامزدوزیر وزارت صنعت و تجارت تکمیل شده و قرار است برای این نامزدوزیران صندوق رأی گذاشته شود. هرچند نایب منشی مجلس نماینده‌گان به روزنامه ۸صبح گفت که این نامزدوزیران امروز چهارشنبه، ۲۱ عقرب، به مجلس فرا خوانده می‌شوند، اما کمیته روسای این مجلس فیصله کرده است که این روند در هفته آینده آغاز شود.

با آن‌که از معرفی نامزدوزیران حدود یک ماه می‌گذرد و وزارت دولت در امور پارلمانی نزدیک به دو ماه پیش اسناد نامزدوزیران را برای بررسی به مجلس نماینده‌گان فرستاده بود، اما مجلس تاکنون این روند

مجلس نماینده‌گان بیست روز پس از معرفی کابینه، تصمیم گرفته است که روند رأی‌دهی به نامزدوزیران را آغاز کند. اعضای این مجلس می‌گویند که روند بررسی اسناد تحصیلی و تابعیت ۱۰ نامزدوزیر تکمیل شده است و از این رو این مجلس تصمیم گرفته که هفته‌ی آینده برای آن‌ها صندوق رأی بگذارد. این نماینده‌گان تصریح می‌کنند که تلاش کمیسیون‌ها برای تکمیل بررسی اسناد سایر نامزدوزیران ادامه دارد تا این روند به زودی تکمیل شود.

از سویی هم، موضوع دو تابعیت بودن نامزدوزیران یک بحث جنجالی در میان نماینده‌گان مجلس بوده است. برخی از اعضای مجلس می‌گفتند که نخست باید تکلیف نامزدوزیران دو تابعیتی مشخص و اسنادشان از چرخه بررسی خارج شود. اکنون اعضای مجلس می‌گویند که دانستن تابعیت نامزدوزیران زمان‌بر است و به همین دلیل، مجلس تصمیم گرفته است که از این نامزدوزیران تعهد بگیرند. به گفته‌ی نماینده‌گان، در صورتی که معلومات این نامزدوزیران خلاف اسنادشان ثابت شود، از پست‌شان برکنار و به دادستانی معرفی می‌شوند.

حکومت در سی‌ام میزان ماه گذشته ۲۳ نامزدوزیر و سه رییس نهادها را برای گرفتن رأی اعتماد به مجلس معرفی کرد. مجلس اما با گذشت بیست روز، موفق به گذاشتن صندوق رأی نشد. کمیته روسای



عبدالحمید حسینی



حبیب حیدراده

در هفته‌های اخیر، جمهوری اسلامی پاکستان داکتر عبدالله را به پاکستان دعوت کرد و از وی استقبال بی‌پیشنه کرد. دعوت از داکتر عبدالله به منظور

تسهیل در روند گفت‌وگوهای صلح و هم‌کاری پاکستان در

این روند اعلام شده بود. به تعقیب آن پاکستان از گلبدین حکمتیار، رهبر حزب اسلامی نیز دعوت به عمل آورد. گلبدین حکمتیار پس از برگشت از سفر، خواهان حکومت موقت برای افغانستان شد و ادعای دولت مبنی بر کشته‌شدن شهروندان پاکستان در جنگ هلمند را تکذیب کرد. هم‌زمان با سفر حکمتیار به پاکستان، عطا محمد نور، یکی از مجاهدین سابق نیز به هند - رقیب و دشمن پاکستان، دعوت شد. عطا محمد نور پس از برگشت از هند برخلاف گلبدین حکمتیار از مقاومت سوم علیه طالبان سخن گفت. اکنون نیت هند و پاکستان در قبال افغانستان و انتظار آنان از صلح حکومت افغانستان با طالبان، تمامی مردم افغانستان را نگران ساخته است. زیرا کابل و افغانستان را افراد وابسته به پاکستان و کشورهای منطقه و جهان یک‌بار ویران کردند. متأسفانه مرض وابسته‌گی بخشی از مجاهدین و سیاست‌مداران گذشته‌ی افغانستان به حکومت فعلی افغانستان نیز سرایت کرده است. حکومت کابل به جای ارایه‌ی طرح، برنامه و داشتن ابتکار، وابسته‌گی به امریکا را افتخار می‌داند و به آن می‌بالد.

ولی حکومت‌های وابسته عمر طولانی ندارند. حکومت‌های وابسته نه تنها عمر طولانی ندارند که چه بسا سرانجام بدی در انتظارشان است. زیرا حیات و دوام‌شان به وضعیت سیاسی، نظامی و اقتصادی حامیان‌شان در عرصه‌ی بین‌الملل بسته‌گی دارد. نمونه‌ی داخلی‌اش حکومت حزب دموکراتیک خلق، مجاهدین و طالبان است. حکومت و نظام چپ‌گرای افغانستان تا زمانی دوام آورد که اتحاد جماهیر شوروی برایش کمک همه‌جانبه می‌رساند. هم‌زمان با خروج اتحاد جماهیر شوروی از افغانستان، نظام کمونیستی شروع به زوال و فروپاشی کرد. تمامی رهبران حزب دموکراتیک خلق افغانستان با آب و تاب از اتحاد و برادری مستحکم و ناگسسته‌ی «افغان-شوری» سخن می‌گفتند و خود را متعلق به یک اردوگاه می‌دانستند، ولی در آخر اتحاد جماهیر شوروی جنگ افغانستان



موضع‌گرفتن و مبارزه‌کردن، غلامی است نه فعالیت سیاسی.

بعید نیست که مقامات بلندپایه‌ی حکومت افغانستان گرفتار سرنوشت داکتر نجیب‌الله شوند. زیرا اوضاع این روزهای حکومت افغانستان همانند اوضاع روزهای آخر حکومت نجیب‌الله است. به این معنا که حدود ۱۹ سال قبل از امروز ایالات متحده امریکا برای از بین‌بردن شبکه‌ی تروریستی القاعده به افغانستان لشکرکشی کرده بود. در ۱۹ سال گذشته ایالات متحده امریکا مدام از آوردن دموکراسی، آزادی بیان، حقوق بشر، ساختن یک جامعه‌ی دموکراتیک و دوستی افغانستان و ایالات متحده امریکا سخن می‌گفت. این وعده‌ها، عده‌ای از مقامات حکومتی را چنان از خود بی‌خود کرده بود و کرده است که هنوز ایالات متحده‌ی امریکا را منجی افغانستان می‌دانند. کم نیستند مقامات حکومتی افغانستان که از دوست امریکایی داشتن یا با امریکایی رابطه داشتن را بزرگ‌ترین موفقیت و

را «زخم خونین» خواند و پشت نظام مورد حمایتش را در کابل خالی کرد. فرجام آن رابطه و وابسته‌گی ناسنجیده، این شد که افغانستان به کام پاکستان فرو رفت و بدترین روزگار را تجربه کرد. پاکستانی‌ها آخرین رئیس‌جمهور کمونیست مورد حمایت اتحاد جماهیر شوروی را از دفتر سازمان ملل متحد بیرون کردند، شکنجه کردند، کشتند و جسد بی‌جان او را در خیابان‌های کابل کشیدند و سرانجام در یکی از چهارراهی‌ها آویزان کردند. مجاهدین افغانستان که در تمام دوره‌ی جنگ با اتحاد جماهیر شوروی در پاکستان کمپ و پایگاه داشتند نیز روزگار بد نجیب را تجربه کردند. این پاکستان بود که نیروهای مجاهدین را از کابل بیرون راند و در ۱۹ سال پسین تواناترین آنان را با حملات انتحاری به وسیله‌ی طالبان از میان برداشت. این یکی از درس‌هایی است که هیچ‌یک از ما حق ندارد آن را فراموش کند. سفر به پاکستان و هند و یا کشورهای دیگر و بعد مطابق میل آن کشورها

درس‌های وابسته‌گی به بیگانه‌گان

نگهداری و محافظت افغانستان وظیفه‌ی مردم و حکومت افغانستان است نه ایالات متحده‌ی امریکا و یا کشورهای منطقه و همسایه. وابسته‌گی به همسایه‌ها و ایالات متحده امریکا نه تنها بحران را حل نمی‌کند، بلکه شکاف موجود را بزرگ‌تر و یک‌پارچه‌گی مردم افغانستان را بیش‌تر از این تهدید می‌کند. تمام مردم افغانستان طعم تلخ وابسته‌گی و پناه‌بردن به حکومت پاکستان و دیگر کشورهای همسایه و منطقه را چشیده‌اند.

افتخار زنده‌گی‌شان می‌دانند. تا جایی که بلندترین مقام حکومت افغانستان، رئیس‌جمهور محمد اشرف غنی از ایستادن در قطار سربازان ایالات متحده‌ی امریکا برای شنیدن سخنان ترمپ احساس شرم نمی‌کند. مقامات حکومت و تیم کاری محمد اشرف غنی هر روز زمزمه می‌کنند که «ما همه سرباز تو ایم امریکا».

محمد اشرف غنی و دیگر مقامات بلندپایه‌ی حکومت افغانستان، پیروزی جو بایدن در انتخابات ایالات متحده امریکا را تبریک گفتند و افزودند که افغانستان و امریکا به همکاری‌های استراتژیک خویش ادامه می‌دهند. اما مقامات بلندپایه‌ی ایالات متحده امریکا به‌شمول جو بایدن، رئیس‌جمهور تازه انتخاب‌شده‌ی ایالات متحده‌ی امریکا هم برای حامد کرزی و هم برای محمد اشرف غنی به وضاحت گفته بود که طالبان دشمن امریکا نیستند، بلکه دوست امریکا هستند. ایالات متحده‌ی امریکا برای حامد کرزی و اشرف غنی به وضاحت گفته است که طالب زمانی تروریست است که به تأسیسات ایالات متحده امریکا حمله کند و یا سرباز امریکایی را بکشد. ولی در صورتی که طالبان بر مکتب افغانستان، ارتش افغانستان و یا نهادی در افغانستان حمله می‌کنند، این مشکل داخلی افغانستان گفته می‌شود نه ایالات متحده امریکا و طالبان. جو بایدن قبلاً گفته بود که افغانستان برای ایالات متحده امریکا اهمیت ندارد، بلکه اهمیت پاکستان پنجاه برابر بیش‌تر از افغانستان است.

نگهداری و محافظت افغانستان وظیفه‌ی مردم و حکومت افغانستان است نه ایالات متحده‌ی امریکا و یا کشورهای منطقه و همسایه. وابسته‌گی به همسایه‌ها و ایالات متحده امریکا نه تنها بحران را حل نمی‌کند، بلکه شکاف موجود را بزرگ‌تر و یک‌پارچه‌گی مردم افغانستان را بیش‌تر از این تهدید می‌کند. تمام مردم افغانستان طعم تلخ وابسته‌گی و پناه‌بردن به حکومت پاکستان و دیگر کشورهای همسایه و منطقه را چشیده‌اند.

راه ناپیموده‌ی ترمپ را بایدن می‌پیماید

مرسلین ارسال، تحلیل‌گر روابط بین‌الملل

طالبان دیده شده، اما دیپلماسی به‌عنوان گزینه‌ی مورد نظر آقای بایدن کار را کرده است و طالبان برای نخستین‌بار به واشنگتن تضمین داده‌اند که روابط شان را با گروه‌های تروریستی قطع کنند.

دونالد ترمپ پایان کامل حضور نظامی امریکا را در افغانستان وابسته به بهبود شرایط می‌داند؛ شرایطی که با توجه به واقعیت‌های هشت‌ماه گذشته، چندان بهبود نیافته است. جو بایدن حضور محدود نظامی امریکا، به‌ویژه حفظ نیروهای ویژه‌ی امریکایی را در افغانستان یک نیاز می‌داند. با خود داری نظامیان امریکایی از بازگشت به جبهه‌ی رو در روی جنگ با طالبان، اما دوام حمایت هوایی از نیروهای افغان زمینی‌ی عملی‌ساختن چنین استراتژی را به وجود آورده است. باری بایدن در دیدار با حامد کرزی (۲۰۱۱)، جایگاه پاکستان در سیاست خارجی اداره‌ی اوپاما را پنجاه مرتبه بالاتر از جایگاه افغانستان بر شمرده بود. اداره‌ی رئیس‌جمهور ترمپ نیز در عمل چنین موقفی را برای اسلام‌آباد در نظر داشت و با وجود عدم اثربخشی هم‌کاری پاکستان در مذاکرات صلح بر وضعیت جنگ و کاهش خشونت در افغانستان، هر بار اسلام‌آباد نقطه‌ی آغاز سفرها و مرجع مشورت‌های مقام‌های امریکایی در خصوص تلاش‌های صلح افغانستان بوده است.

در حالی که طالبان به بایدن پیشنهاد کرده‌اند که روند صلح را با رویکرد موجود به پیش ببرد و عمران خان نیز وعده‌ی دوام هم‌کاری داده است، حکومت افغانستان اما از این روند دل خوش ندارد و معاون دوم رئیس‌جمهور پیشنهاد می‌کند که حکومت آینده‌ی ایالات متحده باید روند موجود صلح را بازنگری کند. از دست‌رفتن آزادی‌های مدنی و ارزش‌های دموکراتیک، به‌ویژه حقوق زنان در مذاکره با طالبان از دغدغه‌های کلان جامعه‌ی افغانستان است. بایدن قول داده است که در سال نخست کارش مجمع جهانی دموکراسی برای حفظ ارزش‌های دموکراتیک را تشکیل خواهد داد، اما تا این‌جای کار طالبان به دست‌آوردهای بیست سال گذشته به دیده‌ی ارزش نمی‌نگرند و در پی تحقق تعریف خودشان از دین و نهادینه‌شدن امارت اسلامی در یک ساختار متفاوت هستند.



نبود، حضور نظامی ایالات متحده را در افغانستان به معنی دفع تهدید شبکه‌ی القاعده در برابر امنیت ملی امریکا عنوان می‌کند. از اظهارات جنجالی وی در زمان مبارزات انتخاباتی در رابطه به تقسیمات جغرافیایی افغانستان اگر بگذریم، تفاوت چندانی در دیدگاه

بایدن با ترمپ در خصوص مسأله‌ی افغانستان دیده نمی‌شود. بلکه برخی اقدامات اداره‌ی رئیس‌جمهور ترمپ راه‌گشایی اداره‌ی بایدن خواهد شد.

بایدن طرفدار کاهش حضور نظامی ایالات متحده در افغانستان است و ترمپ این کار را کرد. وقتی بایدن در سال ۲۰۱۶ از قصر سفید بیرون شد، ۱۳۰۰۰ نظامی امریکایی در جبهه‌ی جنگ افغانستان می‌جنگیدند. ترمپ این تعداد را به کم‌تر از ۵۰۰۰ تن کاهش داد. بایدن خودش را اهل دیپلماسی و مذاکره می‌داند. با به‌دست‌آمدن توافق «آوردن صلح به افغانستان» میان واشنگتن و طالبان، ایالات متحده و طالبان از جبهه رو در روی جنگ در افغانستان عقب رفته و در دوحه باهم در پشت میز مذاکره نشسته‌اند و باب دیپلماسی گشوده شده است. هرچند عهدشکنی‌های هم از جانب

مختصر داشت، ولی این دیدارها زمینه‌ساز گفت‌وگو روی مسایل و تصامیم مهم در رابطه به معضل افغانستان نشد و تنها در حد تشریفات و ستایش از هم‌کاری کابل - واشنگتن در مبارزه با تروریسم بوده است.

رئیس‌جمهور ترمپ درست موقعی وارد کاخ سفید شد (۲۰۱۶) که جدال سیاسی بر سر ایجاد حکومت وحدت ملی در کابل ثبات داخلی افغانستان را سخت صدمه زده بود و این وضعیت برنامه‌های ایالات متحده در افغانستان را نیز با موانع همراه ساخت. این ثبات شکننده و نبود مرجع واحد تصمیم‌گیری و مشورت در کابل، سبب شد تا دولت افغانستان به حاشیه برود و واشنگتن با در پیش گرفتن رویکرد یک‌جانبه‌گرایی، از استراتژی جنوب آسیا تا تصمیم برای گشودن باب مذاکره با طالبان بدون مشورت با کابل اقدام نماید و این‌گونه جایگاه افغانستان به‌عنوان دولت مستقل و شریک نظامی - استراتژیک امریکا تضعیف شود.

جو بایدن که در سال ۲۰۱۱م چندان با عملیات بالای اقامت‌گاه اسامه بن لادن در پاکستان موافق

جو بایدن خودش را ملزم به احیای میراث اداره‌ی بارک اوپاما (۲۰۰۹-۲۰۱۶) می‌داند و بر بازگشت به وضعیت چندجانبه‌گرایی در سیاست خارجی امریکا تأکید می‌کند. میراثی که دونالد ترمپ با سیاست «اول امریکا» آن‌را دور زد و علاوه بر نادیده‌گرفتن جایگاه نهادهای دولت امریکا، حتا نقش و جایگاه دولت‌ها را در پایان منازعات و حل بحران در مناطق مشخص جهان به چالش کشید.

بایدن جایگاه و نفوذ ایالات متحده را در نظام بین‌الملل تضعیف شده می‌پندارد و به این باور است که واشنگتن باید نقش «رهبری بر جهان» را که در زمان رهبری دونالد ترمپ از دست داد، اعاده کند. علاوه بر برگشت به برخی کنوانسیون‌ها و تعهدات بهداشتی، اقتصادی و اقلیمی در نظام بین‌الملل که ترمپ به آن پشت پا زد، تجدید پیمان با سازمان پیمان اتلانتیک شمالی (ناتو) تصامیمی است که در صدر سیاست خارجی اداره‌ی بایدن قرار خواهد داشت. بزرگ‌ترین و طولانی‌ترین ماموریت مشترک امریکا - ناتو در حال حاضر، جنگ افغانستان و تلاش مشترک برای دریافت راه‌حل سیاسی برای پایان این جنگ است. تلاشی که ترمپ آن‌را به واشنگتن منحصر ساخت و جایگاه ناتو به پشت در مذاکرات تقلیل یافته بود.

از اعلان استراتژی نظامی اداره‌ی رئیس‌جمهور ترمپ برای جنوب آسیا (۲۰۱۷) که نه در طرح آن دیدگاه دولت افغانستان پرسیده شد و نه هم نسخه‌ی از آن در اختیار کابل قرار گرفت، تا آغاز مذاکرات صلح میان واشنگتن - طالبان (۲۰۱۸) و نهایی‌شدن متن توافق‌نامه‌ی دو طرف (۲۰۲۰)، در هیچ یکی از این جریان‌ها که روی منازعه‌ی افغانستان در آن تصمیم گرفته می‌شد، دولت افغانستان دخیل نبود. در بهترین حالت رهبری دولت افغانستان توانست تنها نسخه‌ی توافق‌نامه‌ی صلح واشنگتن - طالبان را از روی میز زلمی خلیل‌زاد مرور کند، اما نتوانست نسخه‌ی از آن بردارد. در چهار سال حکومت‌داری رئیس‌جمهور ترمپ، وی تنها دو بار با رئیس‌جمهور غنی ملاقات



مرکز تخصصی انگلیسی آکادمیک و آمادگی آزمون های تافل و آیلتس!

چرا کانون زبان کابل (KTS)؟

- ✓ ارایه مشاوره رایگان برای بورسیه ها
- ✓ برنامه درسی متمرکز روی چهار مهارت اصلی زبان انگلیسی
- ✓ اساتید دارنده نمرات بلند تافل و آیلتس

برنامه ها

- ✓ صنوف انگلیسی هدفمند آکادمیک (EAP)
- ✓ صنوف پیش نیاز تافل (TOEFL Planner)
- ✓ صنوف آمادگی آزمون آیلتس (IELTS Prep)
- ✓ صنوف آمادگی آزمون تافل (TOEFL Prep)
- ✓ صنوف ویژه محاوره، گرامر و ...

☎ +93 (0) 792 338 773 | 📍 Kabul TOEFL School کوچه حبیب سازی دواخانه، گولایی دواخانه، در تماس شوید.

+93) 700 175 510 / +93) 788 788 799

جهت سفارش آگهی‌تان با شماره‌های روبه‌رو در تماس شوید:

روزنامه ۸ صبح برای توسعه کسب و کارتان صفحه‌ی ویژه تبلیغات ایجاد کرد. روزنامه ۸ صبح به هدف کمک و حمایت از توسعه مشاغل و تجارت، تبلیغات شما را با هزینه کم‌تر و کیفیت بهتر نشر می‌کند. این روزنامه یک صفحه‌ی ویژه تبلیغاتی را به همین منظور راه‌اندازی کرده است. در این صفحه‌ی ویژه به تناسب استطاعت شما فضا وجود دارد. ما با داشتن تیراژ بلند در نسخه‌ی چاپی و مخاطبان حداکثری در پایگاه‌های مجازی‌مان آماده همکاری با مشاغل و کسب‌وکارهای مختلف هستیم تا تبلیغات شما را با مخاطبان خود به اشتراک بگذاریم.

بهزاد فرنیچر



Email: behzad.dost@gmail.com | ☎ 0781 700 000

بهزاد فرنیچر کیفیت بهتر

آدرس: چهارراهی بره‌کی، کابل، افغانستان

مؤسسه نشر واژه

پیشرو در امور چاپ، نشر و پخش کتاب



دفتر مرکزی و فروشگاه: ۱ کابل، کارته ۳، چهارراه پل سرخ، مارکت تجاری ملی، منزل پایین، نشر واژه
فروشگاه: ۲ کابل، پل سوخته، چوک شهید مزاری، مارکت محمدی، نشر واژه
چاپخانه: کابل، شهرک امید سبز، فاز اول، چاپ واژه، پلاک ۲۲
۰۷۸۰۷۴۷۴۳۰ - ۰۷۸۰۷۴۷۳۶۷

📍 Vazha.Publication | 📷 NashreVazha | 📧 VazhaPub

شفاخانه آینه صحت



تخفیف ویژه
۲۸۰۰۰ افغانی

• کاشت مو طبیعی به روش FUE

کاشت مو یکی از تداوی‌های عمده و اساسی برای طاسی سر است. در این تداوی موها از ساحات عقب سر یعنی قسمتهایی که موها قوی‌تر هستند و مساعد به ریزش نیستند گرفته شده و به قسمت جلو سر یعنی جاهای خالی انتقال داده می‌شود. قبلاً هموطنان ما برای اجرای این عملیه مجبور به سفر به خارج از کشور بودند اما فعلاً این عملیه در داخل کشور با مصارف کمتر قابل اجرا است. تیم مرکز جلدی و زیبایی شفاخانه آینه صحت با سرپرستی داکتر پامیر حسین صالحی، داکتر میوند حبیب و داکتر وحیدالله عاشر، با در نظر داشت شرایط اقتصادی هموطنان ما کاشت مو را با کیفیت عالی و تخفیف ویژه انجام می‌دهد.

آدرس: بین چهارراهی پروان دوم و گل سرخ، شفاخانه آینه صحت
شماره تماس: ۰۷۸۱۲۳۵۰۴۰
ایمیل آدرس: info@ayenasehat.af

BARTARTECH
INNOVATIVE & DIGITAL SOLUTIONS

شرکت خدمات IT برتر تیک

لیست بهترین خدمات ما

- ✓ طراحی وبسایت
- ✓ وب هاستینگ و ثبت دامین
- ✓ طراحی و توسعه دیتابیس
- ✓ ساخت برنامه های موبایل
- ✓ طراحی و پیاده سازی نتورک
- ✓ نصب کامره های امنیتی
- ✓ بازاریابی از طریق شبکه های اجتماعی
- ✓ گرافیک دیزاین (لوگو، بروشور، ویزیت کارت...)
- ✓ سنو (بالا بردن رتبه سایت در صفحه اول گوگل)

☎ +93777690909 | 📧 info@bartartech.com
☎ +93787935900 | 🌐 www.bartartech.com
کوته سنگی، گولایی دواخانه، کابل افغانستان

مؤسسه خدمات نشر و پخش کتاب دانشگاه

چاپ، نشر و پخش کتاب

آدرس: کابل، کارته چهار، چهارراهی پل سرخ، مارکت تجاری ملی، منزل همکف، انتشارات دانشگاه
۰۷۸۸۵۷۷۱۸۲ - ۰۷۹۶۷۴۷۳۴۲
danishgah.pub@gmail.com

بامیکا انتی ویروس (خانگی + تحت سرور) هاردسک اکسترنال معتبر و باکیفیت

ما را دنبال کنید @BamikaSoft & @BamikaHard

3 سال ورتتی تبدیلی
ADATA
Silicon Power
ESET
Kaspersky

www.bamikatech.com | ☎ 0789945066 - 0799735660
آدرس: چهارراهی پل سرخ، مارکت ملی، منزل اول، نمبر ۱۹



جلال محسنی بهشتی، پژوهشگر و خبرنگار
بخش اول

احزاب مغلوب و ضرورت شکل گیری روند غالب

تمام این عناصر یک ارتباط زنجیره‌ای با هم دیگر دارد و موجودیت هر کدام بدون دیگری امکان پذیر نیست و از همین جا است که نقش فوق العاده و مهم احزاب سیاسی در حیات ملی و سرنوشت سیاسی هر جامعه روشن می‌شود.

کارویژه‌های احزاب

اساسی‌ترین کارویژه‌ی احزاب این گونه معرفی شده است:
- رقابت انتخاباتی با هدف پیروزی؛ از کارویژه‌های مهم احزاب گزینش نامزدهای انتخاباتی و تلاش برای کسب آرای مردم و پیروزی در جریان انتخابات است.
- تدوین سیاست‌های عمومی؛ احزاب مجموع برنامه‌ها و سیاست‌های مورد نظر شان را برای اعضا و مردم تبیین می‌نمایند.
- آموزش سیاسی مردم؛ از کارویژه‌های مهم احزاب آموزش سیاسی مردم و بالابردن آگاهی سیاسی افراد است.
- برخورد و انتقاد از حکومت؛ احزاب با در نظر گرفتن عمل کرد و رفتار دولت‌مردان، مجموعه عمل کرد نظام سیاسی را زیر نظر می‌گیرند و رفتارهای نامناسب حکومت را مورد انتقاد قرار می‌دهند.
- واسطه میان حکومت و مردم؛ حزب پیوند دهنده‌ی فرد و حکومت است.
- تسهیل کار حکومت پارلمانی؛ احزاب به‌عنوان پشتوانه برای حکومت پارلمانی هستند.
- گردآوری هم‌فکران؛ حزب همه هم‌فکران و کسانی که دارای گرایش فکری و سیاسی نزدیک به هم هستند را گرد هم می‌آورد. (بیت‌هام، دموکراسی چیست، ترجمه‌ی شهرام نقش تیریزی، ص ۲۷).
ادامه دارد...

شرکت در انتخابات و کسب آرای بیش‌تر مردم است و اصولاً در تعامل حقوقی و سیاسی امروز، غیر از شرکت در انتخابات و کسب آرای مردم، هیچ راه مشروع دیگری را نمی‌توان پیدا کرد. چون تحقق حاکمیت ملی که حق اصلی مردم یک کشور و زیربنای دموکراسی است، تنها از این طریق میسر است و مردم تنها از طریق یک انتخابات آزاد، سری و عمومی می‌توانند اراده‌ی خود را تبارز دهند و نماینده یا نماینده‌گان خود را برای اداره‌ی کشور برگزینند. مبارزات مردم در غرب عامل مساعد ایجاد بستر طبیعی و منطقی احزاب سیاسی به‌شمار می‌آید. پیدایش دولت-ملت زمینه‌ساز بروز احزاب سیاسی شده و احزاب سیاسی در بطن دولت‌های مردمی شکل یافته است و دولت‌ها نیز بستر مناسب را برای تکامل احزاب سیاسی به‌وجود آورده‌اند.

نخبه‌گان سیاسی، منشأ هستی حزب‌ها را بسته به توسعه‌ی دموکراسی، شرکت عام مردم در انتخابات و سهم‌شدن آنان در مبارزات پارلمانی می‌دانند. از دیدگاه آنان، ظهور حزب‌های سیاسی با شکل‌گیری گروه‌های پارلمانی و کمیته‌های انتخاباتی رابطه‌ی متقابل دارد. حزب‌های سیاسی مبتنی بر عقلانیت و غریزه در اجتماع، منافع جمعی را بر منافع فردی ترجیح می‌دهند و برای آنان آن‌چه اصالت دارد، منافع جمعی است.
حزب سیاسی با چند مقوله و عنصر دیگر، از آن جمله «حکومت»، «دموکراسی»، «انتخابات»، «مردم»، «آزادی» و «رقابت» پیوند عمیق و تنگاتنگ دارد. به گونه‌ای که

می‌کنند. یک حزب در مفهوم عام، گردهمایی پایدار گروهی از مردم است که دارای عقاید مشترک و تشکیلات منظم اند و با پشتیبانی مردم برای به دست‌آوردن قدرت سیاسی از راه‌های قانونی مبارزه می‌کنند.

اجزای احزاب سیاسی به شرح زیر است:
- توافق نظر در باره‌ی اصول بنیادی حزب سیاسی.
- داشتن تشکیلات منسجم و فلسفه‌ی وجودی کاملاً مشخص.
- تلاش برای دست‌یافتن به اهداف از راه‌های مشخص و مشروع.
- کوشش در راه تعمیم و تأمین منافع ملی نه منافع محلی و یا منطقه‌ای و سازماندهی در جهت اهداف حزبی.
برخی از رهبران سیاسی برای ایجاد حزب، این چهار شرط را لازم دانسته‌اند: وجود تشکیلات پایدار مرکزی، وجود شعباتی که با مرکز پیوند داشته باشد، حمایت مردمی و در نهایت کوشش برای دست‌یافتن به قدرت سیاسی.

عامل ظهور احزاب

خاستگاه اجتماعی، تاریخی، فکری و فرهنگی احزاب در جوامع مختلف یکسان نیست. اما می‌توان ادعا کرد که نقش و کارکرد احزاب سیاسی در کشورهای مختلف دنیای امروز بسیار مشابه و بلکه یکسان و یکنواخت است و آن این‌که هدف اصلی هر حزب، کسب قدرت و یا مشارکت در قدرت از راه‌های مشروع و قانونی است.
از طرف دیگر مفهوم بسیار واضح «راه مشروع و قانونی»،

حزب واژه‌ی حزب «Party» از Partir به معنای رفتن و قسمت‌کردن گرفته شده است. در قرون وسطی، Party معنای نظامی داشت و به دسته‌ای که برای رفتن به صحنه‌ی نبرد از دیگران جدا می‌شدند، اطلاق می‌شد. در قرن نوزدهم واژه‌ی Party با گرایش فکری و طرز فکر مترادف بود؛ گرایشی که اندیشه‌های یک طبقه یا گروه اجتماعی را به نمایش می‌گذازد. (نقیب‌زاده، احمد، حزب سیاسی و نقش آن در جوامع امروز، ص ۱۳).
از احزاب به‌عنوان «چرخ دنده‌ی ماشین دموکراسی» و «ستون فقرات دموکراسی» نیز تعبیر شده است. (عالم، عبدالرحمان، بنیادهای علم سیاست، ص ۳۴۸-۳۴۵).
در اروپا، واژه‌ی حزب از قرن ۱۸ میلادی در ادبیات سیاسی متداول شد؛ چنان‌چه دیوید هیوم (رساله‌ی احزاب) را در سال ۱۷۶۰ میلادی منتشر کرد. اصطلاح سازمان سیاسی، مقدم بر حزب سیاسی به‌کار رفته است. هم‌چنان لیتره، لغت‌شناس فرانسوی، حزب سیاسی را اتحاد چندین نفر علیه افرادی دیگر تعریف می‌کند که دارای منافع و عقاید متفاوت‌اند.

حزب سیاسی به معنای گروهی از انسان‌ها است، با اهداف مشترک که برای تحقق آن برنامه، طرح و تشکیلات خاصی را به‌وجود می‌آورند و برای مشارکت در قدرت سیاسی و اداره‌ی جامعه مطابق به اندیشه‌ها و اهداف خود مبارزه



AFGHANISTAN OMID EDUCATIONAL CENTER
OMID
آموزشگاه عالی امید افغانستان

مرکز زبان های خارجی

مزایا

- مواد درسی معیاری
- استادان مجرب و مسلکی
- میتود درسی نظری و عملی
- صنوف ویژه حضوری و آنلاین
- صنوف درسی مجهز با تخته های هوشمند و فناوری روز

برنامه ها

- کورس 3 ماهه زبان انگلیسی ویژه متعلمین
- برنامه درازمدت دیپلوم زبان انگلیسی
- صنوف ویژه محاوره زبان انگلیسی
- برنامه کوتاه مدت زبان انگلیسی
- سرتیفیکت زبان ترکی

پذیرش جریان دارد



0730604040



کارته پروان، بهارستان، ایستگاه برج برق

نوی عدالت الکتریک

عرضه کننده هر نوع سامان آلات برقی، کیبل جات ایرانی و ترکی
گروپ های کم مصرف LED گروپ های چارچی و بخاری های برقی
با قیمت های مناسب در خدمت همشهریان عزیز قرار دارد

پرچون



عمده

آدرس اول: کابل، کوته سنگی شروع پل هوایی جوار هتل آریانا کابل - مرکز تجاری نظیف
آدرس دوم: کابل، کوته سنگی جوار کوچه حلبی سازی - مارکیت چهاردهی وال
شماره های تماس: 0781776989 - 0744019820 - 0730784449



رنا

پوهنتون

شکوفاییه است دادها



مشوره و مساعدت حقوقی رایگان در کلینیک حقوقی پوهنتون رنا

کلینیک حقوقی پوهنتون رنا، افتخار دارد که به افراد بی‌بضاعت طبق مقرره‌ی مساعدت‌های حقوقی، خدمات حقوقی از قبیل مشوره، نوشتن عریضه، صورت دعوی، دفاعیه، اعتراضیه و وکالت در محاکم را، در موضوعات فامیلی، مدنی و جزائی به گونه‌ی مجانی توسط وکلای مدافع با تجربه عرضه می‌نماید. اگر در بخش‌های فوق مشکل حقوقی دارید به کلینیک حقوقی رنا مراجعه نمایید، ساعات کاری در روزهای هفته: از ساعت 8 صبح الی 4 عصر (شنبه الی پنجشنبه)

شماره‌ی تماس: 0730578888 آدرس: چهارراهی برهکی، دفتر کلینیک حقوقی پوهنتون رنا

جان پدر کجاستی؟! «کاش می تانستم پیکری جان حنیفه را ببرم دوحه و روی میز مذاکره بگذارم»



آسمه حمزه‌ای

«یکی یکی نشانم دادند. همه یکسانند و غرق در خون. نمی توانستم بشناسم، هرچه کوشش می کردم، حنیفه را نمی توانستم پیدا کنم. حتی می ترسیدم به خانه زنگ بزنم و از خواهرش بپرسم امروز چه پوشیده بود تا حداقل از روی لباسش شناسایی کنم. مستاصل تکیه دادم به دیوار دهلیز شفاخانه. صبحی که گذشت، پیش چشمانم آمد و خودم را لعنت فرستادم که حبیب، چرا حتی دقت نکردی حنیفه چه پوشیده؟ اگر مرده باشد، تو او را یک دل سیر هم ندیدی.»

با چهره‌ی تکیه و صورت استخوانی روبه‌رویم نشسته است. در همان حالت که عکس حنیفه را در دست گرفته، گاه آن چنان در میان صحبت‌ها بی‌طاقت می‌شود که گوشه‌های عکس می‌گردد و همان لحظه است که اشک امانش نمی‌دهد. می‌گوید: «کی از اولاد خود سیر آمده که مه آمده باشم؟ کی می‌فامه ای شب و روزها مه چی می‌کشم؟ شکایتم ره پیش چی کسی ببرم که حسرت همی به دلم مانده که کاش همو روز آخر دخترکم را بیش‌تر نگاه می‌کردم.» دستش را می‌گذارد روی صورتش و برای دقایقی غیر از صدای هق‌هق گریه‌ی یک مرد سوگوار، دیگر صدایی نیست. او حبیب‌الله است، پدر حنیفه افشار، دانشجوی سال چهارم اداره پالیسی عامه دانشگاه کابل که در حمله تروریستی دوازدهم عقرب بر این دانشگاه، جان باخت. می‌پرسم چطور فهمیدی که در دانشگاه کابل حادثه رخ داده است؟ می‌گوید: «آن روز صبح حنیفه گفت: پدر جان برای سمستر جدید پی‌سی کتاب نیاز دارم، ۲۵۰ افغانی به او دادم و پرسیدم مادرکم کافی است؟ (حنیفه هم دختر کلانم بود و هم بسیار دوستش دارم، برای همین همیشه او را مادرکم صدا می‌زدم). آن روز آن قدر غرق در افکار و گرفتاری‌های روزمره بودم که حتی دقت نکردم چه کالایی پوشیده، آیا صبحانه خورد یا نه؟ حتی غافل شدم از این‌که یک دل سیر ببینمش. ساعت ۱۲ چاشت بود، سر ساختمان داشتم نان چاشت می‌خوردم، شوهرخواهرم زنگ زد و گفت: حبیب! حنیفه و گل‌آرا کجا استن؟ دانشگاه کابل حمله شده، خبر داری یا نی؟ همان لحظه قاشق از دستم افتاد، انگار دهانم کرخت شده بود، فقط توانستم بگویم گل‌آرا خانه است، اما حنیفه رفته و کاش که امروز نمی‌رفت.»

روایتش دوازدهم عقرب حوالی دانشگاه کابل را به

در سرما و گرما، در سختی و گرفتاری. کسی چی می‌داند؟ این قدر زحمت و سرمایه‌گذاری روی فرزندان که آخرش در ثانیه‌ای پرپر شوند؟ تکلیف آن‌همه آرزوهای قشنگ دخترم پس چه می‌شود؟ ما همیشه فکر می‌کردیم که مکتب و دانشگاه برای فرزندانمان مصون است، اما نیست.»

می‌پرسم گل‌آرا کجا است؟ می‌خواهم با او هم حرف بزنم. می‌گوید رفته دانشگاه، از همان روز که صفاها شروع شد دوباره فرستادمش. توکل به خدا، نمی‌شود که از درس باز بمانند. احساس می‌کنم صحبت به درازا کشیده‌ی ما آزارش می‌دهد، از لحاظ روحی خوب نیست و به سختی توان حرف زدن دارد. آخر صحبت‌هایش می‌گوید: «من به عنوان یک قربانی جنگ، یک پدر عزادار و یک شهروند آسیب‌دیده این شهر، باور به این صلح ندارم. صلح این نیست که آن‌ها در دوحه از امیدواری‌ها بگویند و ما این‌جا به خاک سیاه نبودن عزیزان خود بنشینیم.»

«کاش می‌تانستم پیکر حنیفه را ببرم دوحه، روی میز مذاکرات بگذارم، بگویم واقعیت افغانستان امروز این است. جسم به خون غلتیده دختر جوانی که هزار و یک آرزوی قشنگ داشت، ولی کشته شد تا شما معامله کنید. من چطور این صلح را و این مذاکرات را باور کنم وقتی زخمی ناسور در وجودم ایجاد شده که التیام نخواهد یافت؟ انگار که نارنجک دستی به گرده‌ی من اصابت کرده... انگار که وجود من خونین و پاشان شده...»

فقط که دانشگاه کابل نیست، چند خانواده مثل من به سوگ نشسته‌اند؟ صلح و ختم جنگ واژه‌ی بی‌معنا است وقتی هر روز کودکی یتیم می‌شود، مادر و پدری در سوگ فرزند خود سیاه‌پوش می‌شوند و زنی شوهرش را از دست می‌دهد. چه کسی پاسخگوی این خون‌های ریخته شده غیرنظامیان است؟ و حبیب باز اشک می‌ریزد و می‌گوید بس است. نمی‌توانم دیگر!

شب. صبح که شد، گل‌آرا خواهر حنیفه که او هم دانشجوی دانشگاه کابل است را گفتم: «دخترم کمر همت ره بسته کو ما به بیا که باید حنیفه ره پیدا کنیم.»

رفتیم دانشگاه کابل، گل‌آرا عکس خواهرش را روی دیوار دید. گفت: «پدرا!» و زبانش انگار بند آمد که به من بگوید او را دیگر نخواهیم داشت. جنازه‌های کنار هم و خانواده‌هایی که برای شناسایی آمده بودند. یکی یکی پارچه‌ها را کنار می‌زدیم، نبود، نبود، نبود. یک‌باره گل‌آرا بغضش ترکید و گفت: «پدر حنیفه است، از چادرش شناختمش. دیروز به من گفته بود چادر مرا می‌پوشد.»

به این‌جا که می‌رسیم، حبیب، پدر حنیفه، بی‌تاب می‌شود. روایتش آمیخته با صدای لرزان و اشک است. تلاش می‌کند خود را از دست ندهد و مدیریت کند، اما سوگ حنیفه نمی‌گذارد. می‌گوید: اولین چیزی که بعد تشخیص پیکرش یادم آمد، جسم نحیف و کم‌جان دخترم بود. چه کشیده بود در آن لحظات جوان ۲۱ ساله‌ی من؟ مبیایل حنیفه را که تسلیم شدیم، ۲۵۲ زنگ تنها از مه آمده بود. جسمم کرخت شده بود که صاحب این مبیایل دیگر پاسخ نخواهد داد.»

ادامه می‌دهد: «نارنجک دستی که مهاجمان پرتاب کرده بودند، به پهلوی دخترم اصابت کرده بود. آن قدر از او خون رفت و خوشش بند نیامد که نتوانستیم او را حنا غسل دهیم. خون از پیپ وصل شده به او فواره می‌زد. صبح سه‌شنبه همان هفته پیکر حنیفه را منتقل کردیم مسجد صاحب‌الزمان افشار و در مزار فوت شده‌گان محله خود به خاک سپردیمش. غریبانه و پراز دل‌مردگی.»

حبیب می‌گوید: «مادر حنیفه و گل‌آرا خیلی زود فوت کرد، اقتصاد من هم ضعیف. گل‌کارم و سر ساختمان کار می‌کنم، اما از همان کودکی اعتقاد این بود که باید درس بخوانند. حنیفه ۶ ساله که بود، خودم شامل مکتب نسون افشار ساختمش. می‌بردم و می‌آوردم،

تصویر می‌کشد: «ساعت از ۱۲ چاشت هم گذشته بود، اما مبیایل حنیفه جواب نمی‌داد. زنگ می‌خورد، اما انگار کسی پشت خط نبود تا پاسخ بدهد. همان لحظه دلم لرزید. با خود گفتم شاید مجروح شده باشد. شاید هم... معلوم نیست! روبه‌روی دانشگاه روز محشر بود، عین قیامت. از هر دروازه‌ای تلاش می‌کردم، اجازه ورود به دانشگاه را نمی‌دادند. صدای فیر و جنگ شدید شد. ما بیرون دانشگاه و جگر گوشه‌هایمان داخل دانشگاه. در میان جمعیت گاهی صدایی بلند می‌شد که «یافتیم، یافتیم.» می‌گویند یک جنازه دیگر پیدا شده. دیگری زخمی.»

«دقایق و ساعت‌ها کش پیدا می‌کرد، نمی‌گذشت و خبری هم نمی‌شد. ساعت یک بجه، دو بجه، سه بجه و می‌گذشت، هفت شام شد و هنوز به ما اجازه ورود به دانشگاه داده نشد. موترسایکلر ما جایی گذاشتم و به سمت دیگر دروازه‌های دانشگاه رفتم. هر جا همین حال بود. کسی از میان جمع گفت که تعدادی از جان‌باخته‌گان و مجروحان را برده‌اند شفاخانه ۴۰۰ بستر. تعلل نکردم و بلافاصله رفتم شفاخانه. هشت پیکر بی‌جان دانشجویان دختر. در دلم دریای خون متلاطم بود که اگر حنیفه باشد... کاش نباشد.

یکی یکی نشانم دادند. همه یکسانند و غرق در خون. نمی‌توانستم بشناسم، هرچه کوشش می‌کردم، حنیفه را نمی‌توانستم پیدا کنم. حتی می‌ترسیدم به خانه زنگ بزنم و از خواهرش بپرسم امروز چه پوشیده بود تا حداقل از روی لباسش شناسایی کنم. مستاصل تکیه دادم به دیوار دهلیز شفاخانه، صبحی که گذشت پیش چشمانم آمد و خودم را لعنت می‌فرستم که حبیب، چرا حتی دقت نکردی حنیفه چه پوشیده؟ اگر مرده باشد، تو او را یک دل سیر هم ندیدی.»

ادامه می‌دهد: ناامیدانه رفتم شفاخانه استقلال و بعد ایمرجنسی، هیچ نشانه‌ای برابم نبود. نه خوشایند و نه ناخوشایند. ناوقت شده بود. برگشتم خانه و تا صبح روی حویلی قدم می‌زدم. تاریک و تیره شبی بود آن

عشق به گذشته!

آخرین باری که سینما رفتید، کی بود؟



سید نور العین

مسوول مرجع اطلاع‌رسانی وزارت زراعت

امروز را اگر بشماریم، بهتر از تمامی زمان‌هایی است که افغانستان سپری کرده است. ما امروز می‌توانیم خیلی ارزش‌های خوب دیگر هم داشته باشیم، ولی باید به یاد داشته باشیم که ما می‌توانیم فردایمان را بهتر از امروز بسازیم، اما هیچ‌کس نمی‌تواند به گذشته برگردد.

گذشته‌گرایی و پرستش نوستالژی در افغانستان تنها یک سلیقه نیست، متأسفانه یک روش مسلط زنده‌گی است. روشی که اکثراً باعث ایستایی جامعه شده است. روشی که فرداها را نمی‌گذارد زودتر وارد جامعه شود. روشی که باعث شده است ما در دی‌روز بمانیم. این روش مسلط باعث شده است که همواره آهنگ‌های قدیمی بشنویم، با تکنولوژی در جنگ باشیم، پدیده‌های نو را یا حرام بدانیم یا اگر حرام ندانیم، بدبینش باشیم تا کهنه شود، وقتی کهنه شد، بپرستیمش.

در میان موجی از انتقادات، آتش افضل‌ی، یکی از کاربران فیس‌بوک در صفحه‌اش در باب طرح نو برای سینما پارک شهرنو چنین نوشته است: «کسی چه می‌داند. ممکن روزی ایشان را به خاطر انهدام آن بنا و اعمار «این؟» بنا تحسین کنیم. شاید سورپرایزی در راه است. یا خوب یا بد. اگر خوب باشد ما از پیش‌داوری‌ها و اعتراض‌هایمان نادم خواهیم شد. اگر بد باشد، اعتراض‌مان برحق خواهد بود. اما با خاطرات کهنه نمی‌شود راه پیش‌رفت را در پیش گرفت. نوستالژی راهکار درستی برای ایجاد نیست و گزینه‌ای برای تعالی و ارتقا ندارد.»

بلی. دولت افغانستان در چند سال اخیر، در ساخت بناهای قدیمی، خیلی خوب پیش‌رفت کرده است. قصرهای دارالامان و پغمان و چهل‌ستون نمونه‌های این کارها است. هم‌چنان امرالله صالح، معاون اول ریاست جمهوری در پاسخ‌هایش با افراط‌گرایان نشان داده است که عارفانه می‌اندیشد. حالا که در رأس قرار دارد، از کجا معلوم که سینما پارک که اخیراً گفته شد سقفش چوبی بود و بازسازی‌ناپذیر، به مکان فرهنگی کاربردی‌تر بدل نشود؟

وسعت گذشته‌گرایی در افغانستان خون‌بار هم هست. خیلی‌ها به‌دنبال بازگشت به ۱۴۰۰ سال قبل هستند و در این راه عاشقانه مردم می‌کشند. نزدیک‌تر از آن، همین حالا یک بخش از جامعه‌خواهان «امنیت طالبی» هستند.

در کل هر گذشته‌ای، این چنین برای بخشی از مردم اهمیت دارد، حتی اگر مهم نباشد و مضر باشد. مثلاً تعریفی که از «امنیت طالبی» می‌شود، با اغراق و غلوی فوق‌العاده همراه است. یکی از حقیقت‌ها در باره امنیت طالبی، این است که آن زمان، در اکثر راه‌های ولسوالی‌ها به مرکزهای ولایات، موتری وجود نداشت و مردم با «کراچی اسبکی» و یا چهارپایان به مرکز شهر می‌رفتند. بخش‌های دیگر اقتصاد مردم را می‌شود با همین معیار کراچی به جای موتی اندازه گرفت. پس دزد در آن زمان چه را باید می‌زدید. هم‌چنان بی‌بندوباری در زمان طالبان تا جایی که من مشاهده کرده بودم، به حدی بود که امروز اگر یک چهارم آن را اجرا کنید، تمام دنیا از طریق شبکه‌های اجتماعی از کار شما خبر می‌شود و شما مثل مجرمان، باید فراری در کوه‌ها پنهان شوید. واقعیت امر این است که امروز ممکن است، جرایم فراوان باشد، اما خبرسانی از جرایم در دوران طالبان نزدیک به صفر بود و مردم فکر می‌کردند، وقتی نمی‌بینند و نمی‌شنوند، پس نیست. جماعتی که عاشق «امنیت طالبی» هستند، هیچ‌گاه به این فکر نمی‌کنند که اگر امروز طالب/تفکر طالب افغان‌ها را نکشد و آرام بنشیند، کشور تقریباً آرام می‌شود.

با این مثال، می‌شود گفت که گذشته‌گرایی در سایر بخش‌ها نیز ما را با همین سوء درک سوق داده است و چشم‌هایمان را بسته است. حتی در بهترین زمان‌ها هم آزادی‌های ما به اندازه‌ی امروز نبود، ولی بخشی با گذشته‌گرایی، عکس‌های قدیمی وطن را نشر می‌کنیم و به گذشته گذشته افسوس می‌خوریم، بدون این که بدانیم آزادی‌های مدنی امروز را هیچ‌زمانی نداشته‌ایم و آن عکس‌ها، حالا هم با اختیار شهروندان می‌شود، دوباره رخ بنماید و شکل بگیرد. در گذشته شاید چیزهای خوب فراوان داشته بودیم، اما

معتادان را تخریب کند، ولی واقعیت این است که سینماها به اساس نیازهای وقت ایجاد شده است، امروز که این نیاز تغییر کرده است، مگر نباید این مکان هم تغییر کند؟ این تغییر شاید نیاز به دگرگونی کلان‌تر داشت.

بسیاری‌ها تخریب بودا و سینمای شهرنو را هم‌سان دانسته‌اند. اما خودشان را فریب می‌دهند و نیت هر دو را به بررسی نمی‌گیرند. نیت دولت، تا این دم که گفته شده، ایجاد یک مکان فرهنگی است. معاون اول ریاست جمهوری در این باب نوشته است: «در جای سینما پارک، سالن عروسی ساخته نخواهد شد. بلند منزل ساخته نخواهد شد. به کدام تجار پاک و یا ناپاک به فروش نخواهد رسید. غرفه‌های غذای سردستی گذشته نخواهد شد. در جای سینما پارک یک محل فرهنگی که در آن نشست‌های فرهنگی در بهترین وجه آن برگزار گردد، ساخته خواهد شد. جایی که شهریان کابل اعم از زن و مرد در رفتن به آن عار نداشته باشند و از حضور در آن لذت معنوی ببرند و تمام سهولت‌های شهری و مدنی در آن باشد.» نیت دولت این است، اما نیت طالب از ویران‌سازی بت‌های بامیان چه بود؟ آیا از خودمان پرسیده‌ایم که این مقایسه چگونه است؟

از میان این همه، یکی از کسانی که معترض به طرح جدید دولت برای سینما پارک شهر نو بود، فرهاد دریا است. دریا، آوازخوان خوبی شاید باشد. اما هیچ‌گاه یک روشن‌گر نبوده است و شاید به اساس این شخصیتش، هیچ انتظاری هم در این زمینه از وی نمی‌رود. فرهاد دریا، همیشه هم‌سان نام دومش، موافق جریان آب در حرکت است. آهنگ «اوغایتا»ی دریا به مخاطب امروز که خبر دقیقی از دی‌روز ندارد، حس می‌دهد که یک شهروند آگاه حیران بماند. مخاطب این آهنگ، شاید فکر کند که افغانستان روزگاری ابرقدرت جهان بوده است و همسایه‌گان، مقابلش زانو می‌زده‌اند. «اوغایتا» هم‌سویی با موج کلانی از گذشته‌گرایی افغان‌ها است. گذشته‌گرایی در افغانستان عام است و متأسفانه مرز و حدی هم نداشته است.

آخرین باری که به سینما رفتید، چه زمانی بود؟ آیا شما که این نوشته را می‌خوانید، باری به سینما رفته‌اید؟ به طور خاص، امسال چند بار تکت سینمای پارک شهر نو را خریده بودید؟ مسلماً خیلی از پاسخ‌ها منفی است. بعد هم با این همه مراجعان اندک سینما، کابل به چند سینما نیاز دارد؟ اکثریت مطلق کسانی که امروز برای طرح نو به جای سینما پارک در شهر نو در توئیتر یا فیس‌بوک‌شان مرثیه نوشته‌اند، هنوز یک‌بار هم به سینما نرفته‌اند. واقعیت امر این است که سینما و سینما رفتن خوب است، اما حالا جایش را به دیگر سرگرمی‌ها داده است و ما و هیچ‌کس نمی‌تواند، جلو این تغییر را بگیرد. ده‌ها کافه در کابل فعال‌اند که بیروبار زیادی هم دارند.

ما چرا خبر نمی‌شویم که زمان ایستا نیست و گذشتنی است. چرا خبر نداریم که در ۲۰ سال اخیر، دیگر سماوارخانه‌ها و جای‌خانه‌ها، با وجودی که دوست‌شان داریم، جای‌شان را به پدیده‌های نو داده‌اند. دیگر جای سماوار را کافه و جای قصه‌های بردار و پهن کاکاهای قصه‌گو و چای‌خور و بی‌کار را، نت‌کافه‌ها گرفته‌اند. زیبایی سماوارها و خانه‌های قدیمی را من هم دوست دارم. من هم از لذتی که خوردن چای از سماوار برایم شاید بدهد (چون هنوز مثل اکثریت شما این طور چای نخورده‌ام) را نمی‌توانم انکار کنم، ولی مطمئنم یک چای به مراتب خوش‌مزه‌تر از آن هم می‌توان در کافه‌ای در پل سرخ یا شهر نو کابل خورد.

سینماها در اکثر شهرهای کلان کشور به دلیل این‌که استفاده‌ای از آن نشده است، به مکان‌های مختلف، مثل اداره‌های دولتی و ... بدل گشته است. شهر نو و پل سرخ کابل، جاهایی نیست که پارک‌ها و مکان‌های متروک داشته باشد. این دو مکان چنان‌که از همه جاهای شهر کابل متفاوت است، باید متفاوت‌تر شود. این مکان‌ها نمادهایی از آزادی‌های نسبی فردی در افغانستان است و شاید با کل افغانستان متفاوت باشد. خیلی‌ها وقتی گفته شده در سینما پارک، معتادان گرد می‌آمدند، فکر کرده‌اند دولت خواسته است تنها مکان

یک روز پس از توصیه حکومت؛

«نی» از محدودیت دسترسی به اطلاعات نگران است



رویدادهایی که به سود حکومت باشد را نشر کنند. از دید وی، این اقدام غیرقانونی است و باید حکومت و خبرنگاران متوجه آن باشند.

او افزود، سخنگویان وظیفه دارند که با خبرنگاران در ارتباط باشند و برای شان اطلاع‌رسانی کنند، اما اگر ابزار تماس با خبرنگاران را مسدود کنند، باید از طرف حکومت رسیده‌گی شود و افرادی که راه‌های ارتباط با خبرنگاران را مسدود می‌کنند، باید زیر پی‌گرد قانونی قرار گیرند. آقای خلوتگر گفت: «یک نوع سانسور داریم که به خبرنگار می‌گوییم چی را نشر نکنند و یک نوع سانسور دیگر که آن هم غیرقانونی است و به خبرنگار گفته می‌شود چی را نشر کند. حکومت و سایر نهادها هیچ حق ندارند که به خبرنگار بگویند چی نشر شود و چی نشر نشود؛ این را نهادهای حکومتی و سخنگویان باید در نظر داشته باشند».

وقت‌کشی در ارایه معلومات به خبرنگاران، بهانه‌جویی برای عدم ارایه معلومات و انجام مصاحبه، ارجاع خبرنگاران از یک منبع به منبع دیگر و در نهایت سرگردان کردن بی‌مورد خبرنگاران برای خودداری از نشر خبر یا گزارش، از مواردی است که براساس ارزیابی این نهاد، مقام‌های حکومتی در زون غرب کشور انجام می‌دهند. سمیه ولی‌زاده، گزارش‌گر تحقیقی رادیو کلید در هرات، به این باور است که مقام‌های حکومتی از بیان

یافته‌های یک بررسی تازه نهاد حمایت از رسانه‌های آزاد افغانستان (نی) نشان می‌دهد که دسترسی به اطلاعات در زون غرب کشور نسبت به سال‌های گذشته محدودتر شده است و در برخی موارد مقام‌های حکومتی از ارایه معلومات به خبرنگاران خودداری می‌کنند. خبرنگاران و فعالان رسانه‌ای در غرب کشور، نگران محدودیت آزادی بیان و حق دسترسی به اطلاعات هستند و هشدار می‌دهند که اگر وضعیت همین‌گونه ادامه پیدا کند، ممکن است آنان مجبور شوند وظایف‌شان را ترک کنند و در نبود فعالیت خبرنگاری، دامنه‌ی فساد در ادارات دولتی گسترده می‌شود. افزون بر این، نهادهای پشتی‌بان خبرنگاران، از افزایش تهدیدهای امنیتی و «آماج قرار گرفتن عمدی خبرنگاران» از سوی گروه‌های درگیر جنگ افغانستان، ابراز نگرانی می‌کنند. از دید آنان به دلیل این‌که قتل خبرنگاران پوشش رسانه‌ای گسترده‌ای دارد، برخی گروه‌ها عمداً این قشر را آماج قرار می‌دهند.

نهاد حمایت از رسانه‌های آزاد افغانستان (نی) می‌گوید دسترسی به اطلاعات «به معضل بزرگ جامعه رسانه‌ای» تبدیل شده است و بسیاری از نهادهای حکومتی معلومات مورد نیاز خبرنگاران را با آنان در میان نمی‌گذارند. براساس یک ارزیابی این نهاد در مورد دسترسی به اطلاعات در زون غرب کشور، نهادهای دولتی و سخنگویان، اطلاعات را به درستی به دسترس خبرنگاران و رسانه‌ها قرار نمی‌دهند. نهاد حمایت از رسانه‌های آزاد افغانستان، روز سه‌شنبه، بیستم غر، بررسی‌های تازه‌اش در مورد وضعیت دسترسی به اطلاعات در زون غرب کشور را همه‌گانی کرد. عبدالمجیب خلوتگر، رییس اجرایی این نهاد، روز سه‌شنبه، بیستم غر، گفت که سخنگویان از خبرنگاران می‌خواهند تا اخبار مورد نظر خودشان و

اعجاز الحق سامی

افغانستان، می‌پذیرد که در شرایط کنونی شکایت‌های جدی مبنی بر این‌که بخش زیادی از اداره‌ها به ویژه دفاتر والیان، معلومات کافی را در اختیار رسانه‌ها و خبرنگاران نمی‌گذارند، وجود دارد و اگر اطلاعات لازم توسط حکومت در اختیار مردم قرار نگیرد، نباید انتظار برود که اطلاعات نادرست در برابر حکومت نشر نشود. از جانب دیگر، مسوولان کمیسیون دسترسی به اطلاعات پافشاری دارند که ارزیابی نهاد حمایت از رسانه‌های آزاد افغانستان در مورد شکایت خبرنگاران از دسترسی به اطلاعات در زون غرب کشور، باید مورد تحلیل دقیق و همه‌جانبه قرار گیرد. عین‌الدین بهادری، رییس این کمیسیون، در صحبت با روزنامه ۸صبح گفت، یافته‌های این نهاد نشان می‌دهد که به درخواست‌های کتبی برای دریافت اطلاعات پاسخ داده شده و سیستم آن‌لاین این کمیسیون به درخواست‌های زیادی پاسخ ارایه کرده است.

با این‌همه، نهاد حمایت از رسانه‌های آزاد افغانستان، نسبت به افزایش تهدیدها بر خبرنگاران ابراز نگرانی می‌کند. به باور این نهاد، «دشمنان» مردم افغانستان اهداف خود را تغییر داده‌اند و خبرنگاران از جمله اهداف حمله آنان هستند. آقای خلوتگر گفت: «وقتی بالای یک خبرنگار حمله می‌کنند و موضوع بازتاب داده و بزرگ می‌شود، بازم به نفع دشمن تمام می‌شود. در درون رسانه‌ها نیز ترس و وحشت حاکم می‌گردد که این کار سبب سانسورها و حتا باعث می‌شود که خبرنگار کار خود را ترک کند».

براساس یافته‌های نهاد نی، خبرنگاران باور دارند که در جریان ۲۰ سال اخیر دسترسی به اطلاعات در غرب افغانستان وضعیت «رقت‌باری» داشته است و از حکومت مرکزی خواهان آن هستند که به سخنگویان در غرب کشور، دستورالعمل‌های کتبی داده شود تا بر مبنای آن به قانون اساسی و قانون دسترسی به اطلاعات احترام گذاشته شود. پیش از این، نی وضعیت اطلاع‌رسانی در کشور را بحرانی خوانده و هشدار داده بود که در صورت ادامه این روند، رسانه‌ها به تحریم دولت مجبور خواهند شد.

تجربیات اجتماعی «کووید-۱۹» و تأثیر آن بر جرایم در افغانستان

ظاهر اکبری

مقدمه

بیماری «کووید-۱۹» در اواخر دسامبر ۲۰۱۹ در شهر وهان چین دیده شد و به سرعت تمامی کشورهای جهان به‌شمول افغانستان را فرا گرفت. بزرگ‌ترین تجربه‌ای که در سطح جهانی کسب شد، این بود که هیمنه و هیبت ابرقدرت‌هایی که توان مالی و پیش‌رفت علمی بالایی داشتند، در چشم جهانیان فرو ریخت و همه شاهد بودند که به دلیل ضعف در بخش صحت و بسیاری موارد دیگر، ابرقدرت‌ها نتوانستند این بحران را مدیریت کنند. در سطح ملی اما ویروس کرونا با تجارب و پیامدهای روان‌شناختی، اجتماعی و اقتصادی شدیدتری همراه بود. متأسفانه تمام زیرساخت‌ها و روهناهای افغانستان به دلیل جنگ و درگیری‌های چهل ساله تا حد زیادی تخریب شده است، از این رو بیماری کرونا پیامدهای سنگین‌تری را در افغانستان به‌جا گذاشت. به عبارت دیگر، با توجه به شرایط جنگی افغانستان، این کشور قبل از شیوع کرونا نیز از فقر، بی‌کاری و ناامنی اجتماعی رنج می‌برد، اما با شیوع ویروس کرونا همه‌چیز وخیم‌تر شد و ضربه‌های جدی‌تری به تمام جنبه‌های زندگی اجتماعی از قبیل بهداشت، مسایل اجتماعی و اقتصادی وارد آمد. به لحاظ آماری، میزان فقر از ۵۰٪ به ۹۰٪ بالا رفت و بلندپایه‌ترین مقام کشور، رییس‌جمهور اخیراً این موضوع را تایید کرد. از نظر صحتی، بیش از چهل هزار نفر در افغانستان به بیماری «کووید-۱۹» مبتلا شده‌اند، در حالی که تعداد زیادی از بیماران به‌دلیل وجود بی‌اعتمادی به کیفیت خدمات صحتی عمومی و هم‌چنان به‌دلیل عدم امکانات کافی در جغرافیای پراکنده‌ی کشور، آزمایش صحتی نشدند و تعداد زیادی نیز جان خود را از دست دادند. علی‌رغم این همه پیامدها و تجارب منفی، برخی تجارب مثبت نیز در جریان قرنطین مشاهده شد که در ادامه به بحث گرفته می‌شود. اما از آن‌جا که تجارب و پیامدهای اقتصادی و بهداشتی ویروس کرونا به‌طور مکرر مورد بحث قرار گرفته است، این مقاله به تأثیرات اجتماعی و جرمی آن تمرکز خواهد کرد.

تجربیات اجتماعی «کوید-۱۹» در دوران قرنطین
تأثیر و تجارب اجتماعی «کوید -۱۹» در جامعه‌ی افغانی را می‌توان به دو دوره تقسیم‌بندی کرد: دوره‌ی قرنطین و دوره‌ی بعد از قرنطین. در جریان قرنطین،

را به دعا و توبه تشویق می‌کرد و هم‌چنین به رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی مانند شستن دست‌ها و حفظ فاصله‌ی اجتماعی را نیز تاکید می‌کرد. برخی دیگر از علمای دینی، دلیل ظهور کرونا ویروس را مجازات انسان‌ها می‌دانستند. برخی از کارشناسان دینی، ویروس کرونا را هشدار الهی و نتیجه‌ی «ظلم، فساد و عمل کرد بنی‌آدم» می‌دانستند و به توبه و استغفار و جدی‌گرفتن هشدار الهی تاکید می‌کردند. به‌خصوص زمانی‌که در جریان قرنطین ماه‌گرفته‌گی کامل اتفاق افتاد، این‌گونه تفسیرها و برداشتها از کرونا ویروس برجسته‌تر شد. با توجه به این ملحوظات، افراد مذهبی جدی و غیرجدی سعی در توبه و انجام کار خیر و نذورات می‌کردند تا از خشم خداوند نجات پیدا کنند. برخی از مذهبی‌های سنتی، به خرافات متوسل شدند و به‌گونه‌های متفاوت واکنش نشان دادند. آن‌ها با شعار «الله اکبر» در خیابان‌های کابل و برخی شهرهای دیگر کشور بر آمدند و مردم را به نوشیدن چای سیاه توصیه کردند. عده‌ی دیگر به‌دنبال مو در داخل قرآن برای معالجه و معجزه شتافتند. از طرف دیگر، گروهی از عالمان دینی با ساده‌لوحی ویروس کرونا را کاملاً انکار و آن‌را شیاعی غرب برای تضعیف ایمان مردم مسلمان تفسیر می‌کردند.

تجربیات کرونا در دوران پس از قرنطین

چنان‌چه اشاره شد، می‌توان تجربیات و پیامدهای دوران کرونا را به دو دوره‌ی مجزا (دوره‌ی قرنطین و بعد از قرنطین) تقسیم‌بندی کرد. بعد از قرنطین، تأثیر و پیامدهای «کووید-۱۹» در افغانستان بسیار سنگین و وحشتناک بود. تعداد زیادی از افراد و شرکت‌های محلی ورشکسته شدند. خشونت‌های خانوادگی، بیماری‌های روانی، فقر، بی‌کاری و قیمت‌ها به طرز چشم‌گیری افزایش یافت. از دید کارشناسان بخش روان‌درمانی، فقر ناشی از قرنطین، شبیه ماندن در ترافیک است که فرد را دچار تشویش‌های روحی می‌کند. مردم در حالت عادی به شیوه‌ی متمدنانه و با ادب رفتار می‌کنند، اما در چنان شرایطی به راحتی به مرحله‌ی خشونت می‌رسند. صبر و حوصله‌ی آن‌ها زود تمام می‌شود و کنترل احساسات خود را از دست می‌دهند و به این

ترتیب زمینه‌های خشونت خانوادگی بیش‌تر می‌شود. در ضمن، فقر سبب شد که جرایم اجتماعی از جمله سرقت‌های خیابانی، سرقت‌های مسلحانه، قتل‌های هدف‌مند، آدم‌ربایی، قاچاق مواد مخدر و اعتیاد در شهرهای بزرگ به طور بی‌سابقه‌ای گسترش یابد. حتا مقامات امنیتی کابل ناتوانی‌شان را در مهار چنین سطح از جنایت اذعان کردند و در صدد هم‌کاری و هم‌یاری مردم بر آمدند. مردم با عصبانیت پرسیدند و می‌پرسند که مقامات امنیتی کجا هستند؟ چرا امنیت کابل بسیار شکننده شده است؟ چه عواملی امنیت پایتخت را برهم زده است؟ و چرا مقامات نتوانسته‌اند، ناامنی در کابل و سایر شهرهای بزرگ را مهار کنند؟ شکایات و نگرانی‌های مداوم مردم، سرانجام معاون دوم رییس‌جمهور را وادار کرد که مسوولیت تامین امنیت شهر کابل را برای مدتی به عهده گیرد.

به گفته‌ی برخی کارشناسان اجتماعی، در کنار سطح بالای فقر و گرسنه‌گی در شهرها، عوامل مختلف دیگر نیز در مورد جرایم اجتماعی در کشور وجود دارد. کمبود اطلاعات استخباراتی، کمبود تجهیزات و امکانات فنی، سوء استفاده از تذکره‌ی ملی، عدم حاکمیت قانون، کمبود دوربین‌های امنیتی، عدم بازرسی امنیتی کافی در داخل شهر، عدم مهارت‌ها و توانایی پولیس در زمینه‌ی کشف مواد منفجره و تروریست‌ها در داخل شهرهای بزرگ مهم‌ترین این عوامل است. در نتیجه، پولیس و سایر نیروها قادر به شناسایی سارقان مسلح و کشف مواد منفجره‌ی جاسازی‌شده در وسایل نقلیه نیستند. بنابراین، نیاز است دولت سرمایه‌گذاری بیش‌تری را در قسمت بهتر سازی سیستم‌های امنیتی با امکانات مدرن انجام دهد. مسأله‌ی دیگری که امنیت شهر کابل را آسیب‌پذیر می‌کند، دخالت مقامات دولتی، سیاسی و اعضای پارلمان است. در مورد سوء استفاده از تذکره‌های ملی نیز باید گفت که تعدادی از افراد به‌دلیل آشنایی به زبان‌های ملی کشور، به آسانی می‌توانند شناس‌نامه بگیرند و در هماهنگی با شبکه‌های استخباراتی در بدنه‌ی نظام افغانستان جابه‌جا شوند. متأسفانه به‌دلیل خلای قانونی، چنین افراد به آسانی در پست‌های کلان و مهم استخدام می‌شوند که برای امنیت کشور بسیار خطر‌ساز اند.

انگشتی که برای آزادی قطع شد

زدند. قوماندان می گوید تصور نمی کردیم گروهی که تا دو ساعت قبل به خاطر ضعف عقب نشینی کرده بود، این گونه برگردد به جنگ. در آن شب ۵ نفر اعضای دیگر گروه جان شان را از دست می دهند که در این میان دو نفرشان اعضای خانواده‌ی صبغت پهلوان بوده‌اند. او به چشم‌هایش اشاره می کند و می گوید که با «پزیک» چشم‌هایم را هدف قرار دادند تا دیگر نتوانم ببینم.

صبح همان شب خونین که دیگر توانی و امکاناتی برای جنگیدن نمانده است. آن‌ها فیض‌آباد را ترک می کنند. صبغت پهلوان روزهای بسیاری را در بستر بیماری می گذراند و فرزندان کم سن و سال و همسرش در گرسنگی به سر می برند. قوماندان گروه می گوید که اعضای گروه را اکثراً جوانان تشکیل می دادند که متأسفانه همه کشته شدند و تعداد کمی از آن‌ها توانستند بدن نیمه‌جان‌شان را به مزار بیاورند. «جوانان زیادی را از دست دادیم. هر کدام تنها امید خانواده‌ی‌شان بودند. جان‌شان را در راه دفاع از وطن از دست دادند؛ اما حالا دیگر کسی حتا دروازه را به روی خانواده‌های‌شان باز نمی کند. ضعف این دولت همین است، تا زمانی که به دردش می خوری، از تو استفاده می کند و وقتی تو محتاجی، دیگر به سویت نگاه هم نمی کند».

او هیچ اطلاعی از اعضای خانواده‌های شهیدان ندارد، اما می گوید: «همین قدر می دانم که شرایط بسیار سختی را می گذرانند و از این که نمی توانم کاری برای‌شان انجام بدهم، شدیداً احساس کمی و خجالت می کنم».



چون سروی به پهلو افتاد.

صبغت پهلوان علاوه بر این که زخم‌های دیگری در بدن دارد، انگشتش قطع شده و چشم راستش طوری آسیب دیده که نمی تواند با آن نگاه کند و مدام بسته است. طالبان از ساعت ۲ بعدازظهر جنگ را با نیروهای خیزش مردمی آغاز می کنند. این جنگ دو ساعت دوام می کند و زمانی که تانک‌های نیروهای امنیتی به کمک‌شان می شتابند، طالبان عقب‌نشینی می کنند. آن‌ها به تصور این که طالبان عقب‌نشینی کرده‌اند، با خیال آسوده‌تر شب‌شان را شروع می کنند. در آن شب نوبت صبغت پهلوان است تا بیدار بماند و محافظت کند.

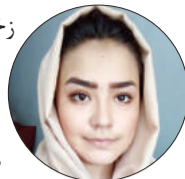
او می گوید انتظار شبیخون طالبان را با آن حجمی از قدرت نداشتیم، طوری که آمدند و تانک‌ها را حتا آتش

وارد کارزار جنگ با طالبان شوند. خیزش‌های مردمی یا اربکی، گروهی وابسته به دولت است که نیروهای آن از مردم یک محل مشخص می‌باشند. این گروه توسط دولت حمایت می‌شود و سلاح در دسترسش قرار می‌گیرد تا در برابر حملات تروریست‌ها مخصوصاً گروه تندرو طالبان بجنگد. هرچند این گروه‌ها آن چنان که باید از سوی دولت حمایت نمی‌شوند، اما مردم با کم‌ترین امکانات دست‌داشته‌ی‌شان به جنگ با طالبان ادامه می‌دهند.

آن‌ها یک گروه پنجاه نفری بوده که تنها ۱۵ نفرشان زنده مانده‌اند، اما از این میان هم همه زخمی و آسیب‌دیده‌اند. از سرنوشت خانواده‌های ۲۵ تن دیگر هیچ اطلاعی در دست نیست که بعد از مرگ تنها نان‌آوران خانه‌های‌شان در چه شرایطی به سر می‌برند. صبغت پهلوان ۳۸ سال دارد و پدر شش فرزند است. برادرش را که نیز عضو گروه بوده، در جنگ از دست داده و زمانی که دیگر توان جنگیدن برایش نمانده است، با تن زخمی به مزار کوچیده است و در بحرانی‌ترین شرایط زندگی می‌کند.

او در کمپ بی‌جا شدگان ولایات فاریاب و جوزجان زندگی می‌کند. اقامت در این کمپ رایگان نیست و او مجبور است هر ماه دوهزار افغانی کرایه بپردازد که تا اکنون نتوانسته است حتا یک ماه از کرایه را پرداخت کند. مردی که ما را به خانه‌ی او برد، قوماندان گروه بوده است (به دلیل آسیب‌پذیر بودن، هویتش را محفوظ نگه می‌داریم). او در مورد شجاعت‌های صبغت پهلوان برای ما قصه می‌کند و این که چگونه در آخرین شب حضورشان در فیض‌آباد، زخمی شد و

زخم‌های جنگیدن بالاخره خوب می‌شوند و یک رد پرافتخار از خود برجا می‌گذارند و یک روز بسیار معمولی که کسی می‌آید و از تو می‌پرسد «چرا خانه‌ات را رها کردی؟» می‌توانی به چشمش نگاه کنی و با سر



هما همتا

بالا بگویی که شاید حالا آواره‌ام، سقفی برای پناه بردن و غذایی برای خوردن ندارم، اما من تلاش خودم را کردم. این یعنی به جای تمام چیزهایی که نداشته‌ام/ندارم، شجاعت داشته‌ام.

دروازه‌ی خانه‌ی کهنه و محقرش را باز می‌کنم. در اتفاقی که تنها نصف آن با کهنه‌فرشی پوشانده شده، مردی را می‌یابم که جنگ آسیب‌های شدید روانی و جسمی به او وارد کرده است. هم‌سنگران او را صبغت پهلوان صدا می‌زنند. او یکی از شجاع‌ترین مردان گروه بوده و زمانی که طالبان شرایط زندگی را در ولسوالی فیض‌آباد ولایت جوزجان برای اهالی محل بسیار دشوار می‌کند، با گروه خیزش‌های مردمی یک‌جا می‌شود و در برابر طالبان می‌جنگد.

نزدیک به بیست سال از عمر نظام جدید حکومت بعد از شکست طالبان در افغانستان می‌گذرد، اما طی این سال‌ها مردم با تحمل شیوه‌های مختلف خشونت از سوی مخالفان مسلح حکومت به ویژه گروه تندرو طالبان در این جغرافیا زندگی کرده‌اند. جنگی که اکنون جریان دارد، از هیچ منظر شبیه به جنگ‌هایی نیست که در تاریخ افغانستان رقم خورده است. در این جنگ گروه‌هایی مسلمانان را در مساجد و مراکز آموزشی به قتل می‌رسانند.

نامنی‌های گسترده در نقاط مختلف کشور از یک سو و ضعف نیروهای حکومتی از سوی دیگر سبب شده است که خیزش‌های مردمی در چارچوب جنگ‌جو

پیش‌رفت ۶۰ درصدی؛

بندهای آب‌گردان پاشدان هرات و کمال خان نیمروز تا یک سال دیگر به بهره‌برداری می‌رسند

از چند روز به این سو، انتشار خبر آب‌گیری بند کمال‌خان در ولایت نیمروز، در فضای مجازی دست به دست می‌شود و این خبر موجب خرسندی بسیاری از شهروندان کشور شده است؛ اما برخی اعضای شورای ولایتی نیمروز در گفت‌وگو با روزنامه ۸صبح با رد این خبر، می‌گویند که هنوز روند آب‌گیری بند آغاز نشده و کار ساخت آن جریان دارد.

نعمت‌الله صدیقی، عضو شورای ولایتی نیمروز، به روزنامه ۸صبح می‌گوید به دلیل این که کشاورزان برای آبیاری زمین‌های زراعتی به آب ضرورت داشتند، مقداری آب از بند کجکی ولایت هلمند با پادرمیانی مقام‌های محلی نیمروزت وزیع شد و برخی به «اشتبا» آن را آب‌گیری» بند کمال‌خان عنوان کردند. به گفته‌ی او، برای تکمیل این پروژه مشکلی وجود ندارد، اما در گذشته همه‌گیری ویروس کرونا باعث کندی روند ساخت آن شده بود و حالا حدود ۹۰ درصد کار آن کامل شده که تا پایان سال ۲۰۲۱ به بهره‌برداری سپرده خواهد شد.

بند آب‌گردان کمال‌خان در ولسوالی چهاربرجک ولایت نیمروز موقعیت دارد و در حدود ۹۰ کیلومتر از شهر زرنج، مرکز این ولایت، فاصله دارد. ارزش این پروژه حدود ۹۰ میلیون دالر امریکایی است و با تکمیل آن افزون بر تولید نه میگاوات برق، حدود ۱۸۰ هزار هکتار زمین زیر پوشش آبیاری قرار خواهد گرفت.

آغاز روند آب‌گیری و بهره‌برداری از بندهای آب‌گردان پاشدان در هرات و کمال‌خان در نیمروز، از آرزوهای دیرینه‌ی ساکنان ولایت‌های هرات و نیمروز است؛ آرزویی که پس از بهره‌برداری از بند سلما در هرات، حالا بیش‌تر از هر زمان دیگری دست‌یافتنی به نظر می‌رسد.

آب‌گردان، با شرکت پیمان‌کار و نیروهای امنیتی در تأمین امنیت همکاری باشند و به مخالفان بند پاشدان اجازه ندهند که مانع پیش‌رفت کار ساخت آن شوند.

سیدوحید قتالی، والی هرات، به مردم اطمینان می‌دهد که به تنهایی نیروهای امنیتی مستقر در ولسوالی کُرْخ هرات توانایی تأمین امنیت و حفاظت از بند پاشدان را دارند، با این حال او در این زمینه از مردم نیز می‌خواهد که از این پروژه حفاظت کنند و اجازه ندهند که طالبان آرزوهای مردم را بریاد دهند.

او به طالبان هشدار می‌دهد که اگر به سوی بند پاشدان قدمی بردارند، «پاهای آنان را قطع می‌کند»؛ حتا اگر تمام مردم کشور با این کار مخالفت کنند. والی هرات تأکید می‌کند که هیچ مشکلی برای تکمیل کار ساخت این پروژه مهم زیربنایی وجود ندارد و نیروهای امنیتی در دفاع از آن در مقابل مخالفان ایستاده‌گی می‌کنند.

حبیب‌الله، باشنده روستای اسلام‌آباد کُرْخ، به روزنامه ۸صبح می‌گوید که مردم محل همواره با نیروهای امنیتی و شرکت سازنده بند همکاری بوده‌اند و از این پس نیز برای تکمیل این پروژه در کنارشان خواهند بود. او از پیش‌رفت کار ساخت بند آب‌گردان پاشدان خرسند است و تأکید می‌کند که هم اکنون مشکلی در ساخت بند وجود ندارد.

بند پاشدان در ولسوالی «کُرْخ» در حدود ۲۰ کیلومتری شهر موقعیت دارد که قرار بود چند سال پیش به بهره‌برداری برسد، اما به دلایل گوناگون هنوز کار روی آن جریان دارد. این پروژه از مهم‌ترین منابع آبی برای آبیاری زمین‌های زراعتی در ولسوالی‌های کُرْخ، پشتون‌زرگون و بخش‌هایی از ولسوالی انجیل و کمربند سبز هرات است.

می‌خواهند که برای تأمین امنیت آن تلاش بیش‌تری به خرج دهند و به مخالفان مسلح دولت اجازه ندهند که مانع پیش‌رفت کار ساخت این بند شوند.

محمدحامد صمد، مدیر عمومی پروژه بند پاشدان، که از سوی اداره ملی تنظیم امور آب کشور به هرات آمده، در گفت‌وگو با خبرنگاران می‌گوید که ارزش این پروژه ۱۱۷ میلیون دالر امریکایی است و تلاش‌ها برای تکمیل و بهره‌برداری از آن تا پایان سال ۲۰۲۱ میلادی جریان دارد.

او می‌افزاید کار ساخت این بند در مجموع بیش از ۶۰ درصد به پیش رفته و دیوار بند تقریباً تکمیل شده است. وی تأکید می‌کند که اگر مشکل همه‌گیری کرونا به میان نمی‌آمد، تا کنون کار آب‌گیری بند شروع می‌شد، اما با آن هم تلاش‌ها برای تکمیل پروژه جریان دارد و برخی از تجهیزات فنی که برای مهار و عبور آب در زمان سیلاب‌ها استفاده می‌شود، به گمرک اسلام‌قلعه رسیده و با نصب آن‌ها، قسمت مهمی از کار ساخت این بند تکمیل می‌شود.

محمدعارف اچکزئی، مسوول بند پاشدان هرات، به روزنامه ۸صبح می‌گوید که این بند علاوه بر تولید دو میگاوات برق، ۱۳ هزار هکتار زمین را زیر پوشش آبیاری قرار می‌دهد. او می‌افزاید که ظرفیت آب‌گیری این سد تا ۵۲ میلیون مترمکعب آب در سال است و کانال‌های آن، ظرفیت توزیع ۵۰ میلیون مترمکعب آب را دارا می‌باشد.

کامران علی‌زایی، رییس شورای ولایتی هرات، از پیش‌رفت ۶۰ درصدی کار ساخت بند پاشدان ابراز خرسندی کرده و از نیروهای امنیتی خواهان تلاش بیش‌تر برای تأمین امنیت آن است. او افزون بر این از مردم منطقه می‌خواهد که برای تکمیل این بند

کار ساخت بند آب‌گردان «پاشدان» که در ۲۰ کیلومتری شرق شهر هرات موقعیت دارد، بیش‌تر از ۶۰ درصد پیش رفته است و تلاش‌ها برای بهره‌برداری از این پروژه تا زمان تعیین شده جریان



خلیل رسولی

دارد. مقام‌های محلی هرات، می‌گویند اگر مشکل خاصی در اجرای پروژه پیش نیاید، بند پاشدان تا پایان سال ۲۰۲۱ میلادی به بهره‌برداری سپرده خواهد شد. پس از همه‌گیری ویروس کرونا که مانع پیش‌رفت کار ساخت این بند شده بود، هم‌اکنون مشکلی فراروی آن نیست و تلاش‌ها برای تکمیل این پروژه در زمان تعیین شده جریان دارد.

هم‌چنان مقام‌های محلی در ولایت نیمروز از تلاش برای بهره‌برداری از بند آب‌گردان کمال‌خان در این ولایت خبر می‌دهند. به گفته‌ی این مقام‌ها، خبر آب‌گیری بند کمال‌خان در نیمروز واقعیت ندارد و این بند تا پایان سال ۲۰۲۱ میلادی به بهره‌برداری خواهد رسید.

مسوولان اداره ملی تنظیم امور آب می‌گویند که بیش‌تر از ۶۰ درصد کار ساخت بند پاشدان تکمیل شده و تلاش می‌شود تا پایان زمان تعیین شده این پروژه به بهره‌برداری برسد. آنان می‌افزایند که بعد از کاهش شیوع ویروس کرونا در افغانستان و کشورهای منطقه، کار ساخت و انتقال تجهیزات فنی این بند سریع‌تر شده و هم اکنون مشکل جدی برای تکمیلی پروژه وجود ندارد.

اعضای شورای ولایتی هرات، از پیش‌رفت کار ساخت بند پاشدان خرسند هستند و از نیروهای امنیتی

دبیر بخش ویدیو:
خبرنگاران:

محمدنصیر کاوشگر
عبدالاحمد حسینی، محمدحسین نیک‌خواه، خلیل رسولی، هما همتا، الیاس طاهری، زهرا عطایی، احمدشاه شاداب، حفیظ علی خیل، توفان عمری، شعب حکیمی، پرویز کامروز

ویراستار:
صفحه آرایی:

پدیرش اعلان:
نشانی پستی:

نشانی دفتر کابل:
۸صبح نوشته‌ها را ویرایش می‌کند. سرمقاله بازتاب‌دهنده‌ی دیدگاه ۸صبح است.

سایر دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقاله‌ها، به نویسندگان آن برمی‌گردد.

صبح
روایت دیروز، آینه امروز، نوید فردا

sanjarsohail@yahoo.com

مدیرمسوول: مجیب مهرداد mujib_mehrdad@yahoo.com

سر دبیر: خلیل اسیر 8am.daily@gmail.com

دبیر گزارش‌ها: حبیب بهش

دبیر بخش خبر: علی شاه حقمیل

دبیر رسانه‌های اجتماعی: نورعلی فرحت

صاحب امتیاز:

مدیرمسوول:

سر دبیر:

دبیر گزارش‌ها:

دبیر بخش خبر:

دبیر رسانه‌های اجتماعی:

Publisher:
Sanjar Sohail, sanjarsohail@yahoo.com

Editor-in-Chief:
Mujib Mehrdad
mujib_mehrdad@yahoo.com

Facebook.com/8am.af

Youtube.com/HashteSubhdaily

Twitter.com/@Hashtesubhdaily

instagram.com/8am.af_official

www.8am.af

برای تحقق رویاهای تان به پول نقد نیاز دارید !!!!!!!

از عرضه معائنات ارزی بانک با شرایط و ضوابط جذاب و سهل بهره مند شوید

- عرضه با پول افغانی و دلار امریکایی
- عرضه کوتاه مدت برای 12 ماه
- استناد سازی سهل
- برای کارمند دولتی/ادارت ملی و بین المللی/اسازمان های غیر دولتی

برای معلومات بیشتر، لطفاً به نزدیکترین نمایندگی با هم دفتر مرکزی به بخش فروش مراجعه کنید و باهم با شماره 1515 تماس بگیرید

www.azizbank.af 1515

مجیب الله عشرت

چکیده

«پل رومر» از نظریه پردازان مشهور رشد به این باور است که گسترش شهرنشینی محرک بنیادی در رشد و توسعه اقتصادی است و مسیر شکوفایی اقتصادهای عقب مانده را هموار می سازد. او در مدل توسعه ای خود تأکید می کند که دولت ها مکلف اند زمینه ی بهتر شهرنشینی را برای شهروندان مهیا سازند. رومر، تقاضای روزافزون به این پدیده در کشورهای در حال توسعه را بهترین فرصت برای رشد پایه های اجتماعی و اقتصادی و تنها ترین و معقول ترین راه توسعه می داند. به عقیده ی رومر، شهرنشینی از طریق توسعه ی شهرهای موجود و ایجاد شهرهای جدید امکان پذیر است. دانیل لرنر از مفسران مکتب نوسازی هم معتقد است که توسعه ی شهرنشینی عامل محرک جوامع سنتی به سوی مدرنیته شدن است. او رشد مراکز شهری جدید در جهان سوم را به عنوان عامل ترقی و تقویت کننده ی احساس فردگرایی و تضعیف کننده سنت گرایی می داند.

ذهنیت عام به ویژه در کشورهای جهان سوم بر این مبنا استوار است که شهرنشینی در حقیقت جزء از فرایند توسعه تلقی می شود. تجربه نیز نشان داده است که شهرها همیشه چرخ توسعه ی اقتصادی و اجتماعی کشورها را روشن نگه داشته اند. دسترسی به سهولت های بهتر زنده گی، خدمات مناسب اجتماعی، سهولت در استخدام، رفع معضل بی کاری، استفاده از تکنولوژی، تحکیم بهتر روابط اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در میان شهروندان بر این مدعا مهر تأیید می کوید. آمارها هم گواه این است که گرایش به شهرنشینی بیش تر اقتصادمحور است و روستائینان به دلیل رفع نیازمندی های معیشتی به شهرها رجوع می کنند. هم اکنون بیش تر از ۸۵ درصد تولید ناخالص داخلی کشورها در شهرها تولید می شود که این نشان دهنده ی نقش شهرها در رشد اقتصادی است. این امر سبب شده است که نظریه پردازان شهری معتقد باشند که برای رفع چالش های اقتصادی به ویژه رفع بی کاری چاره ی جز توسعه ی شهرنشینی ندارند. از آن جایی که مصروفیت اکثریت روستائینان کشاورزی و مال داری است و درآمد خانواده ها از این ناحیه بسیار ناچیز و در سطح حداقل تأمین معیشت است، به این لحاظ تمایل آنان این است که به شهرها مراجعه نمایند تا از توزیع درآمد سهم بیش تری کسب کنند.

به هر صورت، با توجه به موقعیت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کشورها میزان شهرنشینی در آن ها متفاوت از یکدیگر است. جمعیت اکثریت کشورهای توسعه یافته شهرنشین اند. گسترش شهرها و اعتقاد شهروندان آن کشورها به این که شهرنشینی باعث سهم بیش تر آنان از فرایند صنعتی شدن نسبت به کشاورزی و صنایع روستای می شود، باعث شده است که روند شهرنشینی در آن کشورها رو به رشد باشد. موج عظیم شهرنشینی در این طبقه از کشورها چالش های جدی به وجود نیاروده است، چون ظرفیت پذیرش، ایجاد و گسترش شهرها و تناسب شاخص های توسعه با وضعیت اقتصادی آن ها هم خوانی دارد. هم چنان، رشد شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه نیز با وجود چالش ها آهنگ تندتری دارد. کشورهای توسعه نیافته که عموماً کشورهای پسابحران و منازعه نیز نامیده می شود، با وجودی که نرخ رشد شهرنشینی بلند دارد، اما این امر در چنین جوامع تجربیه ی موفق دانسته نمی شود، چون زیرساخت ها ظرفیت پذیرش مهاجران روستایی و تمایل توده های زیادی شهرنشین را ندارد. این به آن معنا است که میزان رشد اقتصادی با رشد شهرنشینی در وضعیت تعادل نیست، یعنی تقاضای بیش تر برای شهرنشینی و کمبود در جذب آن ها از سوی شهرها، بنابر دلایل عدم مسکن و فضای معیشت و زنده گی مناسب در حقیقت تورم جمعیت شهری را فراهم ساخته است.

میزان مهاجرت به سوی شهرها در کشورهای توسعه نیافته به میزان غیرقابل تصور در حال افزایش است. این ها شامل آن طبقه روستاییان اند که به خاطر پایین بودن سطح درآمد به شهرها گسیل می شوند و از کم ترین مهارت های لازم زنده گی جهت ادغام مجدد در شهرها بی بهره اند. به این لحاظ، گسترش بی رویه ی شهرنشینی در این کشورها باعث به وجود آمدن پدیده های مانند حاشیه نشینی شهری، افزایش کودکان خیابانی، تكدی گری، افزایش سطح جرایم و جنایات سازمان یافته، بی کاری، عدم تعادل فرهنگ و سنت شهری - روستای، افزایش جمعیت شهرها، تخریب

پیامدهای اقتصادی گسترش شهرنشینی

محیط زیست و سایر عوامل برهم زننده ی اجتماعی شده اند. با وجودی که شهرنشینی همواره پدیده ای در حال رنده بوده است، اما در دنیایی امروزی گرایش شدیدی به این پدیده وجود دارد. به ویژه در دو قرن اخیر این رشد ضریب چند برابر داشته است. در سال ۱۸۰۰ میلادی تنها سه درصد جمعیت جهان شهرنشین بودند، ولی این رقم در اوایل قرن ۲۱ به بیش تر از ۵۰ درصد رسیده است. پیش بینی ها نشان می دهد که این رقم تا سال ۲۰۲۵ به ۷۰ درصد برسد.

افغانستان به عنوان یک کشور عقب مانده از لحاظ گسترش شهرنشینی در حالت نابرابر قرار دارد. این جا وضعیت وخیم تر از حد معمول است. آهنگ بلند رشد شهرنشینی در این کشور به ناهمگونی و آسیب های اجتماعی در بزرگ شهرها انجامیده و افزایش جمعیت شهرها خارج از ظرفیت پذیرش آنان است و این مهم تورم جمعیتی را برای جامعه به بار آورده است. هم اکنون بزرگ شهرهای چون کابل، مزار، هرات، قندهار و ننگرهار از پیامدهای افزایش شهرنشینی رنج می برند. قاعده ی جامعه شناختی هم بر این امر تأکید می کند که هر تحول و دگرگونی که بر مبنای نظم و ساختار مناسب استوار نباشد، پیامدهای ناخواسته ای را به بار می آورد. در حقیقت مدل رشد شهرنشینی در افغانستان در توازن با سایر شاخص های رشد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی نیست که این می تواند به گسترش بحران های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بیانجامد و چالش های بزرگ را فراراه زنده گی شهری فراهم سازد.

نبود زیرساخت های مناسب برای پذیرش موج عظیم شهرنشینی، دلیل اساسی است که به این بحران کمک نموده است. براساس یک گزارش بانک جهانی، رشد شهرنشینی در افغانستان سالانه پنج درصد است، در حالی که رشد اقتصادی ۲،۷ درصد در سال است. هم چنان رشد جمعیت سالانه ۳ درصد تخمین شده است. این آمار نشان می دهد که تفاوت فاحش میان رشد شهرنشینی در تناسب با سایر شاخص های رشد و توسعه یافته گی کشور وجود دارد که منجر به بی ثباتی اقتصادی می شود. در افغانستان به دلایل مختلف از جمله ناامنی، پایین بودن اقتصاد خانواده های روستایی، توزیع نابرابر امکانات میان مرکز شهرها و روستاها، تمرکزگرایی، دسترسی به سهولت های زنده گی در شهرها، اشتغال یابی و مواردی از این قبیل سبب شده است که شهرنشینی افزایش بی سابقه یابد. کابل ظرفیت پذیرش چیزی در حدود یک میلیون انسان را دارد، اما براساس یافته های اداره ی ملی احصایه هم اکنون نزدیک به شش میلیون انسان در این شهر زنده گی می کنند. سایر کلان شهرهای افغانستان نیز به این مشکل مواجه است که موانع زیاد را به بار آورده است. این مقاله در پی آن است که پیامدهای عمده ی اقتصادی رشد شهرنشینی را در کشور به بررسی بگیرد. در زیر به چند مورد از این پیامدها که با اهمیت تر است، اشاره شده است.

شهرنشینی و گسترش فقر: با وجودی که یکی از دلایل رشد شهرنشینی پایین بودن سطح درآمد خانواده ها در روستاها دانسته می شود، ولی از سوی دیگر افزایش جمعیت شهرها به بی کاری و فقر شهری نیز انجامیده است. در واقع بین فقر و شهرنشینی گسترده یک رابطه ی مستقیم وجود دارد. به این مفهوم که شهرنشینی شتابان به فقر می انجامد. هم چنان شهرنشینی تبعات چون گسترش حاشیه نشینی را در پی دارد. حاشیه نشینان کسانی اند که بنا بر نبود مسکن در پیرامون شهرها جاگزین می شوند. این ها عموماً مسوولیت در قبال شهر و فرهنگ شهرنشینی ندارند و اکثری بی کار و از نگاه اقتصادی در حالت ناگواری به سر می برند. شکل گیری این کمربند انسانی در شهرها می تواند مأمّن خوبی برای مجرمان و جنایت کاران باشد که بنا بر دلایلی بی کاری و تهی دستی برای تأمین معیشت زنده گی به مفاصد اجتماعی و فرهنگی دست می زنند و رو به اقتصاد جرمی می آورند. هم چنان وجود این پدیده کار را برای برنامه ریزان اجتماعی و شهری جهت تسهیل بهتر خدمات شهری دشوار می سازد. رشد شهرنشینی هم چنان دوره های باطل فقر را هر چه بیشتر فراخ تر می سازد. در این دور یک سلسله عوامل مرتبط اقتصادی به صورت زنجیره ای تأثیرات منفی بر یکدیگر می گذارد، تا این که فقر گسترده تر و فراخ تر می شود. بر اثر رشد شهرنشینی سطح سواد پایین می آید، درآمد خانواده ها کم می شود، پس اندازها پایین می آید، سرمایه گذاری به صورت سرسام آور کاهش می یابد و بلاخره به کاهش سطح تولید در اقتصاد می انجامد. اقتصادی که در آن تولیدات کاهش یابد، نرخ بی کاری بلند می رود، بلند رفتن نرخ بی کاری مساوی به فقر است.

کاهش کشاورزی: رشد شهرنشینی از دو جانب بالای

کشاورزی تأثیر می گذارد. اول، از طریق اسکان خانواده های که به شهرها رجوع می کنند، بخش زیادی از زمین های قابل کشت و ساحت سبز پیرامون شهرها به سکونت گاه های آنان تبدیل می شود. دوم، مهاجرت روستائینان باعث می شود که نیروی انسانی مشغول در فعالیت های کشاورزی و مال داری در روستاها به صورت چشم گیری کاسته شوند.

با وجودی که افغانستان یک کشور زراعتی است و بیش تر خانواده ها و نیروی کار در سکتور زراعت مصروف اند، با آن هم عرضه ی کالاهای زراعتی تا هنوز نیازمندی های بازارهای داخلی را تکافو کرده نمی تواند. از جانب دیگر، این دو عامل کاهش دهنده ی زراعت به این مشکل بیش تر از گذشته کمک کرده است و به زراعت که فعالیت اصلی شهروندان افغانستان را تشکیل می دهد، صدمه می رساند. به این لحاظ فرآورده های زراعتی تقاضای بازارهای داخلی را تکمیل کرده نمی تواند.

توزیع نابرابر درآمدها: توزیع درآمد در میان جوامع همیشه کانون توجه اقتصاددانان است. براساس شواهد عینی، این موضوع یکی از نگرانی های جدی است که بسیاری به آن مواجه اند. یعنی فرصت ها، امکانات و درآمدها ندرتا به گونه ی برابر تقسیم بندی شده است. عامل عمده ی آن بروز نظام اقتصاد سرمایه داری دانسته می شود. در حالی که در دنیای جدید پدیده های دیگری از قبیل رشد تکنولوژی، گسترش شهرنشینی، افزایش جمعیت و موارد دیگری از این قبیل نقش مهمی در توزیع نابرابر درآمدها بازی کرده است، اما بررسی این موضوع نشان می دهد که کیفیت زنده گی شهروندان به ویژه باشنده گان بزرگ شهرها به یک شکل نیست و همه گی در رفاه و آسایش برابر زنده گی نمی کنند، بلکه تفاوت های فراخ میان آنان وجود دارد که سبب بروز مشکلات و شکاف های طبقاتی در جامعه شده است.

موضوع توزیع نابرابر درآمد محقق دیدگاه مارکس علیه نظام سرمایه داری است. او معتقد بود که در نظام سرمایه داری درآمدها و امکانات به صورت نابرابر تقسیم شده است، چنین جامعه ای فقرا را فقیرتر و ثروتمندان را ثروتمندتر می سازد. شکاف درآمدی گسترش می یابد، طبقه ی فقیر از تأمین معیشت ابتدایی شان بیرون شده نمی توانند، قدرت خرید مردم کاهش می یابد، سطح سرمایه گذاری پایین می آید و بلاخره عرضه و تقاضا را در بازارها بر هم می زند و انگیزه را برای تولیدکننده گان جهت افزایش تولید کالاها و خدمات از بین می برد، در نتیجه رشد اقتصادی را به رکود روبه رو می سازد.

نتیجه گیری

مقاله ی حاضر تبعات و تأثیرات منفی سرعت شهرنشینی بر اقتصاد را واکاوی کرد. با شواهد عینی هویدا شد که گسترش پدیده ی شهرنشینی با توجه به ساختار و واقعیت های اقتصادی، بزرگ شهرهای افغانستان آماده گی پذیرش رشد شتابان شهرنشینی را ندارند. به این لحاظ، افزون بر تبعات اقتصادی در عرصه ی اقتصاد خانواده ها و در کل سطح ملی، رشد شهرنشینی اثرات منفی در حوزه های اجتماع، فرهنگ و برنامه ریزی به جا می گذارد. قابل ذکر است که کشورها از پیامدهای اقتصادی گسترش شهرنشینی تجارب متفاوت دارند. این به این معنا است که پدیده ی شهرنشینی در برخی از جوامع نتایج معکوس از پیامدهای ذکر شده را داشته است. به طور مثال، تجربه نشان داده است که شهرنشینی در برخی از کشورها به ویژه کشورهای توسعه یافته منجر به کاهش فقر و رشد بیش تر اقتصادی شده است یا افزایش جمعیت اسباب توسعه را در برخی از کشورهای در حال توسعه فراهم کرده است، اما تمرکز این مقاله بر تجربه ی شهرنشینی در افغانستان با توجه به واقعیت های عینی کشور بود. جامعه ای که با هیچ یک از معیارهای اقتصاد جهانی هم گام نیست.

منابع

۱. اسکات، آلن جان، شهر و منطقه های جهانی، ترجمه ی لطفی کاظمی، پانته آ، ۱۳۸۴، نشر پردازش.
۲. لرنر، دانیل، گذر جامعه سنتی، ترجمه ی خواجه سروری، غلام رضا، ۱۳۸۳، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۳. عظیمی، ناصری، پویش شهرنشینی و مبانی نظام شهری، ۱۳۸۱، نشر نیکا.